



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

کتابخانه



الگوی مصرف

در آموزشگاه اسلامی

پایه اول ابتدایی



• جواد ایرانی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی مصرف در آموزه های اسلامی

نویسنده:

جواد ایروانی

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	الگوی مصرف در آموزه های اسلامی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۰	سخن ناشر
۲۵	الگوی مصرف در آموزه های اسلامی
۲۵	مقدمه
۲۶	مصرف در آموزه های دینی
۲۷	اهداف و انگیزه های مصرف
۳۰	محدودیت‌های مصرف (کالاها و خدمات ممنوع)
۳۳	اصول حاکم بر مصرف
۳۳	اشاره
۳۳	۱. اصل نیاز
۳۳	اشاره
۳۳	چیستی نیاز
۳۴	گستره نیازهای مادی
۳۶	نفی نیازهای کاذب
۳۶	اشاره
۳۶	الف) نیازهای ناشی از خواسته های نفس
۳۸	ب) نیازهای ناشی از تبلیغات
۴۲	ج) نیازهای ناشی از شأن‌های اعتباری
۴۶	۲. اصل تقدیر معیشت
۴۹	۳. اصل اعتدال

۴۹ اشاره
۴۹ جایگاه و گستره اعتدال در مصرف
۵۱ معیارهای اعتدال
۵۴ آثار مثبت اعتدال
۵۴ اشاره
۵۴ الف) آثار اقتصادی
۵۵ ب) سلامت جسم و جان
۵۵ ج) محبوبیت الهی
۵۶ ۴. اصل توجه به اولویتها
۵۸ ۵. اصل ساده زیستی و قناعت
۶۰ ۶. اصل الگوناپذیری از بیگانگان
۶۱ ۷. اصل انفاق مازاد درآمد
۶۲ آسیبهای مصرف
۶۲ اشاره
۶۲ ۱. نفی اسراف و تبذیر
۶۲ اشاره
۶۳ مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن دو
۶۴ معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر
۶۴ اشاره
۶۴ الف) ملاک شرعی
۶۵ ب) ملاک عرفی
۶۸ گناه سنگین اسراف و تبذیر
۶۹ گستره اسراف و تبذیر
۶۹ اشاره
۷۰ الف) اسراف در آب
۷۲ ب) اسراف در خوردنیها و سایر آشامیدنیها

- ۷۲ اشاره
- ۷۳ اسراف در نان
- ۷۴ (ج) اسراف در لباس
- ۷۵ (د) اسراف در مسکن و احداث بنا
- ۷۶ (ه) اسراف در وسائل زندگی
- ۷۶ اشاره
- ۷۷ بی توجهی به بازیافت مواد
- ۷۷ (و) اسراف در وسایل نقلیه
- ۷۸ (ز) اسراف در هزینه های ازدواج
- ۷۹ (ح) اسراف در حامله‌های انرژی
- ۷۹ اشاره
- ۷۹ نفت و گاز، سرمایه های ملی
- ۸۰ (ط) اسراف در برگزاری مجالس و محافل
- ۸۱ (ی) اسراف از اموال عمومی و بیت المال
- ۸۳ (یا) استفاده غیر بهینه از زمان
- ۸۴ جمع بندی
- ۸۶ زمینه ها و عوامل اسراف و تبذیر
- ۸۶ اشاره
- ۸۶ الف) ناآگاهی
- ۸۶ ب) هواپرستی
- ۸۷ (ج) ثروت اندوزی و رفاه زدگی
- ۸۸ (د) ردیله‌های اخلاقی
- ۸۹ (ه) الگوپذیری از مسرفان
- ۹۰ (و) تولید و عرضه نادرست کالا
- ۹۰ آسیب‌های اسراف و تبذیر
- ۹۰ اشاره

- الف) نابودی سرمایه ها ۹۰
- ب) تضييع حقوق ديگران ۹۲
- ج) مفاسد اخلاقی و رفتاری ۹۳
- د) سقوط معنوی ۹۴
- راهبردهای مقابله با اسراف و تبذیر ۹۴
- اشاره ۹۴
- الف) تقویت باورها ۹۴
- ب) تثبیت ارزشهای اخلاقی ۹۵
- ج) افزایش آگاهیهای عمومی ۹۶
- د) نظارت همگانی ۹۶
- ه) تربیت خانوادگی ۹۶
۲. اتراف (رفاه زدگی و مصرف گرایی) ۹۷
- اشاره ۹۷
- چیستی اتراف ۹۷
- ویژگیهای مترفان ۹۸
- اشاره ۹۸
- الف) حق انکاری و مقابله با پیامبران و مصلحان اجتماعی ۹۹
- ب) اسراف، غضب و تضييع حقوق ۱۰۰
- ج) مصرف نمادین، خودنمایی و فخرفروشی ۱۰۰
- د) بی توجهی به محرومان و خودداری از مشارکت در کارهای خیر ۱۰۱
- عوامل اتراف ۱۰۱
- آسیبهای اتراف ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
- الف) زیان اقتصادی ۱۰۲
- ب) فساد اخلاقی و رفتاری ۱۰۳
- ج) نابودی تمدنها و فرهنگها ۱۰۳

- ۱۰۴ ----- (د) فرجام دردناک
- ۱۰۵ ----- راهبردهای مقابله با اتراف
- ۱۰۵ ----- اشاره
- ۱۰۵ ----- الف) تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی
- ۱۰۵ ----- ب) برقراری عدالت اجتماعی
- ۱۰۶ ----- ج) دوری خواص از اتراف
- ۱۰۷ ----- جمع بندی
- ۱۰۸ ----- کتاب نامه
- ۱۱۴ ----- درباره مرکز

سرشناسه: ابروانی، جواد، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: الگوی مصرف در آموزه های اسلامی / جواد ابروانی.

مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۳-۶۷-۹؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Javad Irvani. The pattern of consumption in islamic teachings.

یادداشت: چاپ دوم: شهریور ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ سوم: دی ۱۳۸۸.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۹۳-۹۶.

موضوع: مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: اسراف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: اسلام و اقتصاد

شناسه افزوده: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۷م۹۴/الف/BP۲۵۰/۳۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۰۵۵۵۵

اشاره

الگوی مصرف

در آموزه های اسلامی

حجی الاسلام دکتر جواد ایروانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی)

ص: ۲

نام کتاب: الگوی مصرف در آموزه های اسلامی

نویسنده: حجتی الاسلام دکتر جواد ایروانی

=

ویراستار: هادی بزدی ثانی

طراح جلد: جواد سعیدی

=

چاپ اول، دوم و سوم: اردیبهشت، شهریور و دی ۱۳۸۸

چاپ چهارم: اسفند ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۵۰۰ ریال

=

مدیر اجرایی پژوهش و ناظر چاپ: علی اصغریار

حروفچینی و صفحه آرایی: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی قدس

=

مرکز توزیع

مشهد مقدس: حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی

صندوق پستی: ۱۱۹۳-۹۱۷۳۵ تلفن و دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷

www.razavi.ac.ir

فهرست مطالب

سخن ناشر ۷

مقدمه ۱۱

مصرف در آموزه های دینی ۱۲

اهداف و انگیزه های مصرف ۱۳

محدودیت های مصرف (کالاها و خدمات ممنوع) ۱۶

اصول حاکم بر مصرف ۱۹

۱. اصل نیاز ۱۹

چیستی نیاز ۱۹

گستره نیازهای مادی ۲۰

نفی نیازهای کاذب ۲۲

الف) نیازهای ناشی از خواسته های نفس ۲۲

ب) نیازهای ناشی از تبلیغات ۲۴

ج) نیازهای ناشی از شأنهای اعتباری ۲۸

۲. اصل تقدیر معیشت ۳۲

۳. اصل اعتدال ۳۵

جایگاه و گستره اعتدال در مصرف ۳۵

معیارهای اعتدال ۳۷

آثار مثبت اعتدال ۴۰

الف) آثار اقتصادی ۴۰

ب) سلامت جسم و جان ۴۱

ج) محبوبیت الهی ۴۱

۴. اصل توجه به اولویتهای ۴۲

۵. اصل ساده زیستی و قناعت ۴۴

۶. اصل الگوناپذیری از بیگانگان ۴۶

۷. اصل انفاق مازاد در آمد ۴۷

آسیبهای مصرف ۴۸

۱. نفی اسراف و تبذیر ۴۸

مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن دو ۴۹

معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر ۵۰

الف) ملاک شرعی ۵۰

ب) ملاک عرفی ۵۱

گناه سنگین اسراف و تبذیر ۵۴

گستره اسراف و تبذیر ۵۵

الف) اسراف در آب ۵۶

ب) اسراف در خوردنیها و سایر آشامیدنیها ۵۷

اسراف در نان ۵۸

ج) اسراف در لباس ۵۹

د) اسراف در مسکن و احداث بنا ۶۰

ه) اسراف در وسائل زندگی ۶۱

بی توجهی به بازیافت مواد ۶۲

و) اسراف در وسایل نقلیه ۶۲

ز) اسراف در هزینه های ازدواج ۶۳

ح) اسراف در حاملهای انرژی ۶۴

ص: ۵

نفت و گاز، سرمایه های ملی ۶۴

ط) اسراف در برگزاری مجالس و محافل ۶۵

ی) اسراف از اموال عمومی و بیت المال ۶۶

یا) استفاده غیر بهینه از زمان ۶۸

جمع بندی ۶۹

زمینه ها و عوامل اسراف و تبذیر ۷۱

الف) ناآگاهی ۷۱

ب) هواپرستی ۷۱

ج) ثروت اندوزی و رفاه زدگی ۷۲

د) رذیلت‌های اخلاقی ۷۳

ه) الگوپذیری از مسرفان ۷۴

و) تولید و عرضه نادرست کالا ۷۵

آسیب‌های اسراف و تبذیر ۷۵

الف) نابودی سرمایه ها ۷۵

ب) تضییع حقوق دیگران ۷۷

ج) مفساد اخلاقی و رفتاری ۷۸

د) سقوط معنوی ۷۹

راهبردهای مقابله با اسراف و تبذیر ۷۹

الف) تقویت باورها ۷۹

ب) تثبیت ارزشهای اخلاقی ۸۰

ج) افزایش آگاهیهای عمومی ۸۱

د) نظارت همگانی ۸۱

ه) تربیت خانوادگی ۸۱

۲. اتراف (رفاه زدگی و مصرف گرایی) ۸۲

چیستی اتراف ۸۲

ویژگیهای مترفان ۸۳

الف) حق انکاری و مقابله با پیامبران و مصلحان اجتماعی ۸۴

ب) اسراف، غصب و تزییع حقوق ۸۵

ج) مصرف نمادین، خودنمایی و فخرفروشی ۸۵

د) بی توجهی به محرومان و خودداری از مشارکت در کارهای خیر ۸۶

عوامل اتراف ۸۶

آسیبهای اتراف ۸۷

الف) زیان اقتصادی ۸۷

ب) فساد اخلاقی و رفتاری ۸۸

ج) نابودی تمدنها و فرهنگها ۸۸

د) فرجام دردناک ۸۹

راهبردهای مقابله با اتراف ۹۰

الف) تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی ۹۰

ب) برقراری عدالت اجتماعی ۹۰

ج) دوری خواص از اتراف ۹۱

جمع بندی ۹۲

کتاب نامه ۹۳

مصرف در نگاه دینی، زمینه ای برای دست یابی به کمال و قرب الهی و در چرخه اقتصادی، پایان خط تولید و عرضه است. با توجه به اینکه مصرف باید در خدمت انسان و مسیری برای رشد و تعالی معنوی وی باشد، چگونگی مصرف، بسیار تأثیرگذار است. لذا در جامعه ما که مصرف مطابق با الگوهای پذیرفته شده علمی نیست، بایسته است با به کار بردن امکانات و محصولات، مطابق با نیازهای واقعی و اصلاح روند تولید و عرضه و تغییر نوع مصرف، بازنگری در زمان و مکان آن و افزایش یا کاهش میزان مصرف، زمینه بهینه نمودن مصرف را فراهم آوریم.

مراد از اصلاح الگوی مصرف تنها کم نمودن مصرف نیست، بلکه در برخی موارد، تغییر نوع مصرف است، مانند چند منظوره نمودن فضاها در ساختمان سازی جهت استفاده های گوناگون.

در برخی موارد نیز اصلاح به تغییر زمان و مکان مصرف است، حتی اصلاح الگوی مصرف را باید در تدوین چشم اندازهای بلندمدت و میان مدت

و تدوین نقشه های اجرایی برای طرحها و مصوبات پی گیری نمود.

پوشیده نیست برای دست یابی به این مهم، نخست باید زیربناهای فکری و فرهنگی آن فراهم آید، لذا بر صاحبان اندیشه است که با تحقیق در این راستا و نگاه کاربردی به مسئله، زمینه این امر را فراهم آورند.

مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی در راستای این مهم و در پی فرمایشات دورانديشانه و عمیق رهبر فرزانه انقلاب در حد توان، این موضوع را محور کار قرار داده و با استقبال از طرحها و نوشته های صاحبان اندیشه و قلم، بستری جهت انعکاس ایده های کاربردی در این زمینه فراهم آورده است. فراخوان مقاله با موضوع اصلاح الگوی مصرف و چاپ کتاب پیش رو نخستین قدم در این مسیر می باشد.

نوشته فرا رو که فصل چهارم از کتاب اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث است، با قلمی روان و تحقیقی عمیق، ضمن بیان اصول حاکم بر مصرف به بیان برخی از آسیبهای آن پرداخته است. کتاب یادشده که پایان نامه کارشناسی ارشد حجتی الاسلام دکتر جواد ایروانی در این دانشگاه است به خاطر برخورداری از شاخصه های پژوهشی توانسته است به مقامهای ذیل نیز دست یابد و مورد استفاده در دیگر تحقیقات قرار گیرد:

۱. کتاب برگزیده سال حوزه در سال ۱۳۸۵ ش. در قالب پایان نامه؛

۲. اثر برگزیده دومین فراخوان آثار پژوهشی حوزه علمیه خراسان؛

۳. رتبه سوم پنجمین جشنواره علمی - پژوهشی فردوسی در قالب پایان نامه؛

۴. رتبه سوم ششمین جشنواره علمی - پژوهشی فردوسی در قالب کتاب؛

۵. اثر برگزیده سومین دوره انتخاب کتاب سال استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵؛

۶. کتاب شایان تقدیر در چهاردهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی و اولین جشنواره کتاب سال قرآنی دانشجویی.

در اینجا شایسته است جهت اطلاع جوانان علاقه مند به تحقیق درباره اصلاح الگوی مصرف به برخی از موضوعات در این باره اشاره گردد.

۱. جایگاه مصرف در نگاه دینی؛

۲. نقش مصرف صحیح و مصرف گرایی در تولید و عرضه؛

۳. اصول و شاخصه های اصلی مصرف صحیح و کارآمد؛

۴. عوامل و زمینه های شکل دهنده الگوی مصرف؛

۵. راهبردهای اصلاح الگوی مصرف:

الف) تدوین چشم اندازها؛

ب) اصلاح نوع مصرف؛

ج) اصلاح میزان مصرف به کاهش یا افزایش؛

د) اصلاح زمان و مکان مصرف؛

ه) اصلاح جامعه مصرف کننده؛

و) اصلاح چرخه تولید و عرضه؛

۶. آسیبهای مصرف صحیح (اسراف، تبذیر، اتراف و...):

الف) معیارهای تشخیص اسراف و اسراف کاران و... در نگاه دینی؛

ب) ریشه ها و زمینه های اسراف و...؛

ج) مفهوم، موارد و مصادیق اسراف و... در زمینه های مختلف؛

د) راههای برون رفت از اسراف و...؛

ه) پیامدهای شوم اسراف و...؛

و) رابطه اسراف و... با سقوط اخلاقی و انحطاط شخصیت؛

۷. نقش قوا، دستگاهها و نهادهای اجتماعی در اصلاح الگوی مصرف:

الف) نقش دستگاههای مقننه، مجریه و قضائیه در اصلاح الگوی مصرف؛

ب) نقش خانواده در اصلاح الگوی مصرف؛

ج) نقش رسانه های جمعی در فرهنگ سازی الگوی مصرف؛

(د) نقش روحانیت در اصلاح الگوی مصرف؛

(ه) نقش مراکز آموزشی در اصلاح الگوی مصرف؛

۸. بایسته ها در اصلاح الگوی مصرف؛

۹. اصلاح الگوی مصرف در:

(الف) محیطهای آموزشی؛

(ب) محیطهای اداری؛

(ج) حاملهای انرژی؛

(د) خوردنیها به ویژه آب و نان و پوشیدنیها؛

(ه) شهرسازی و ساختمان سازی؛

(و) زیرساختها؛

در پایان لازم است از کلیه کسانی که در شکل گیری این اثر سهمی داشته اند، به ویژه مرحوم آیی الله محمدهادی معرفت، حجج اسلام دکتر محمدعلی مهدوی راد، سید محمود مرویان حسینی و رضا وطن دوست تشکر و قدردانی نمایم.

علی جلائیان اکبرنیا

رئیس مرکز پژوهش

الگوی مصرف در آموزه های اسلامی

مقدمه

اصلاح الگوی مصرف بدین معناست که منابع و کالاها، به جا و به اندازه لازم به کار رفته و به صورت بهینه و با بیشترین بازدهی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، اصلاح الگوی مصرف به معنای مصرف نکردن و حتی لزوماً به مفهوم کم مصرف کردن نیست. از این رو، تحقق آن موجب می گردد ضمن تأمین نیازهای فرد در ابعاد گوناگون، از هدر رفتن منابع و بروز مشکلات اقتصادی برای خانوار و جامعه جلوگیری شود و سرمایه ها به سمت تولید و پیشرفت سوق داده شود و نتیجه آن نیز، رفاه اقتصادی و امکانات بیشتر برای افراد جامعه خواهد بود.

نیک روشن است که تحقق این مهم، نیازمند آگاهی افراد از چگونگی مصرف صحیح و بهینه و آشنایی با راهکارهای آن و سپس عزم جدی برای اجرایی کردن آن است.

آموزه های دینی اسلام، چه در بخش اقتصاد و چه در عرصه اخلاق، به

این موضوع، توجه ویژه ای کرده است و اصول، معیارها و محدودیتهایی را برای مصرف، مشخص کرده که مبتنی بر جهان بینی توحیدی و در راستای نیل به هدف نهایی انسان و تکامل وی، سامان یافته است.

آنچه در اینجا می آید، ارائه و بررسی مقدماتی اصول، معیارها و محدودیتهای مصرف از نگاه قرآن و روایات است که در شناسایی الگوی مصرف متناسب با اهداف و جهان بینی اسلام، تأثیرگذار است. ضمن آنکه به پاره ای از راهکارهای تحقق این مهم نیز اشاره شده است.

مصرف در آموزه های دینی

ابعاد مادی و معنوی انسان، هریک منشأ پیدایش نیازهایی است که در آموزه های واقع گرایانه و فطرت مدار اسلام، توجه فراوان شده است. نیازهای مادی انسان همچون خوراک، پوشاک و مسکن، جنبه عمومی دارد و استثناپذیر نیست، حتی پیامبران و اولیای الهی نیز که در اوج معنویت و ملکوت بوده اند، به طور طبیعی، به امکانات مادی نیاز داشته اند. قرآن کریم، در آیات متعدد این پندار را که «پیامبران همچون فرشتگان، نباید به امور مادی، میل و نیازی داشته باشند» نادرست شمرده و نیاز آنان را به غذا، رفتن به بازار و تهیه وسایل زندگی، طبیعی و عمومی دانسته است: ((وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ)): (۱) «و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند».

بر این اساس، قرآن کریم به گونه مستقیم یا غیر مستقیم، مصرف را تجویز نموده و تحریم اعتقادی یا عملی نعمتهای مباح را سخت نکوهیده است، بدین گونه که از یک سو در آیات متعدد، تمام نعمتها و امکانات هستی را در

۱- . فرقان (۲۵)، بخشی از آیه ۲۰. نیز نک: انبیاء (۲۱)، آیه ۸؛ مؤمنون (۲۳)، آیه ۳۳؛ مائده (۵)، آیه ۷۵.

خدمت بشر می داند و تصرف انسان در آن و استفاده وی را جز در اموری خاص، مجاز شمرده است و اصل را بر اباحه و حلیت مصرف می نهد. (۱)

از سوی دیگر، با ترغیب به استفاده از نعمتهای مباح، تحریم آن را بدعت و تشریح می داند (۲) و خودداری از مصرف آن را سرزنش می کند: ((قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ)) (۳) «بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می باشد».

با وجود این، بر خلاف مکاتب رایج اقتصادی، مصرف از دیدگاه اسلام، هدف نهایی نیست، بلکه هدفی میانی است و مقدمه ای برای اهداف والاتر که می باید در چارچوب معیارهای ارزشی و با رعایت محدودیتهای خاصی انجام گیرد که در ادامه به آن می پردازیم.

اهداف و انگیزه های مصرف

در اقتصاد سرمایه داری، هدف نهایی از مصرف، افزایش مطلوبیت است. مطلوبیت، به معنای فایده و رضایت خاطری است که انسان از مصرف کالا یا خدمات، به دست می آورد. (۴) در این دیدگاه، سعادت آدمی در به دست آوردن بیشترین لذت است و لذت نیز - با وجود اختلاف در مفهوم و

۱- نک: بقره (۲)، آیه ۱۶۸؛ انعام (۶)، آیه ۴۵؛ مائده (۵)، آیات ۴ و ۵؛ اعراف (۷)، آیه ۱۵۷؛ حج (۲۲)، آیه ۳۰.

۲- نک: مائده (۵)، آیه ۱۰۳؛ انعام (۶)، آیات ۱۳۸، ۱۴۰ و ۱۵۰؛ یونس (۱۰)، آیات ۵۹ و ۶۰.

۳- اعراف (۷)، بخشی از آیه ۳۲.

۴- نک: سیاوش مریدی و علیرضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، ص ۶۸۰.

مصدق آن - بیشتر منحصر به لذات مادی است. (۱)

بر پایه این دیدگاه، گرایشهای مادی و امیال نفسانی، فراتر از نیازهای متعادل جسمی و روحی انسان است و نیازهای کاذب و افراطی را در بر می گیرد. در این نگرش، آدمی در طول زندگی، تنها یک وظیفه و هدف دارد و آن، جست و جوی بالاترین لذت ممکن است، (۲) و بدین سان، آرمان نهایی تمام محاسبات و رفتارهای اقتصادی، کسب بیشترین لذت می باشد.

اگرچه مکتب اسلام در پی فراهم سازی زمینه سعادت و خوشبختی فرد و جامعه است، ولی سعادت را منحصر در افزایش لذت ناشی از مصرف کالا و خدمات نمی داند. در این دیدگاه، انسان دارای دو بعد جسم و روح و به دنبال آن، نیازها و لذات روحی و جسمی است؛ بعد زمانی او، به گستره ابدیت است و کمال نهایی و سعادت حقیقی اش، در تقرب به خدا؛ در قرآن کریم، واژگانی همچون «فوز»، (۳) «فلاح» (۴) و «سعادت» (۵) که مفهوم خوشبختی راستین آدمی را بیان می کند، همگی ناظر به چنین مفهوم بلندی است و تحقق آن، بسته به توان و شکوفایی استعدادهای درونی برای تقرب به خدا.

قرآن کریم، برای دست یابی به هدف نهایی یادشده، اهداف میانی، و به تعبیر بهتر، راهکارهای تحقق هدف نهایی و رسیدن به کمال مطلوب را یادآور شده است؛ بدین گونه که غالباً در کنار امر به مصرف و تصرف در

- ۱- نک: جوزف آ. شومپتر، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی، ج ۱، صص ۱۷۰-۱۷۵.
- ۲- نک: لین و. لنکستر، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ج ۳، صص ۱۲۳۵-۱۲۴۲ و ۱۲۵۲.
- ۳- برای نمونه نک: آل عمران (۳)، آیه ۱۸۵؛ نساء (۴)، آیه ۷۳؛ مائده (۵)، آیه ۱۱۹؛ توبه (۹)، آیه ۷۲.
- ۴- برای نمونه نک: بقره (۲)، آیه ۵؛ توبه (۹)، آیه ۸۸؛ مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۰۲.
- ۵- برای نمونه نک: هود (۱۱)، آیه ۱۰۸.

نعمتها، دستوراتی را ارائه فرموده است که هدف از مصرف را روشن می سازد. این دستورات عبارت است از:

۱- مصرف همراه با پارسایی: برای تکامل و تقرب به حق، نخستین گام، ترک نافرمانی خدا و دوری جستن از گناهان است. از این رو، تصرف در نعمتها باید همراه با پارسایی و ترک گناه باشد: ((وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ)): (۱) «و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید و از خدا پروا دارید».

۲- مصرف همراه با عمل صالح: قرآن کریم این نکته را یادآور می شود که مصرف، باید مقدمه انجام کارهای شایسته باشد: ((يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا)): (۲) «ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید».

۳- مصرف همراه با شکر: نتیجه نکات یادشده (ترک گناه و عمل صالح) در شکر نمود می یابد، چراکه شکر به مفهوم گسترده اش، به کارگیری نعمتها در مسیر هدف آفرینش آنهاست: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ)): (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کردیم بخورید و خدا را شکر کنید».

۴- مصرف همراه با ادای حقوق: از مصادیق بارز شکر عملی، پرداخت حقوق مالی و از جمله حق فقیران است: ((كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا)): (۴) «از میوه آن - چون ثمر داد- بخورید، و حق [بینوایان

۱- . مائده (۵)، بخشی از آیه ۸۸ .

۲- . مؤمنون (۲۳)، بخشی از آیه ۵۱ .

۳- . بقره (۲)، بخشی از آیه ۱۷۲ .

۴- . انعام (۶)، آیه ۱۴۱ . برای آیات بیشتر در این باره نک: محمد کاظم رجایی، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن،

از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و زیاده روی نکنید».

نکته پایانی این بحث آن است که اهداف والایی که اسلام برای مصرف ارائه کرده است، موجب شکل گیری انگیزه های مثبت در نظر مصرف کننده مسلمان می شود به گونه ای که مصرف هرگونه کالا و استفاده از هر خدمتی را به انگیزه رضایت الهی و نیل به پاداش و قرب او انجام می دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«لیکن لک فی کلّ شیء نَبیّ حتّی فی النّوم و الأکل»؛^(۱)

باید که تو را در هر چیز حتی در خواب و خوراک، نبیّی [شایسته] باشد.

در مقابل اهداف مثبت یادشده، انگیزه های منفی در مصرف، همچون فخرفروشی، خودنمایی، هم چشمی و شهوت خواهی است که هرچند ممکن است منع شرعی نداشته باشد، بی گمان بر خلاف ارزشهای دینی بوده و در قرآن و روایات، نکوهیده است.^(۲)

اهداف اسلام در مصرف، وجود محدودیتهایی را در استفاده از کالاها و خدمات موجب می گردد و رعایت چارچوب ارزشی خاصی را الزامی می کند. از این رو، شایسته است به محدودیتهای مهم مصرف از دیدگاه اسلام، اشاره کنیم.

محدودیتهای مصرف (کالاها و خدمات ممنوع)

چنان که گذشت، مصرف از دیدگاه اسلام، مقدمه و ابزاری است برای نیل به سعادت حقیقی و کمال مطلوب. بر این اساس، مصرف کالاها و خدماتی که آدمی را از رسیدن به مقصد و هدف نهایی باز می دارد، ممنوع است. از این رو،

۱- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.

۲- برای نمونه نک: اعراف (۷)، آیه ۱۷۶؛ یوسف (۱۲)، آیه ۵۲؛ جائیه (۴۵)، آیه ۲۳؛ محمد (۴۷)، آیه ۱۴؛ حدید (۵۷)، آیه

در آیین والای اسلام، مصرف برخی کالاها به طور کلی یا در شرایطی خاص ممنوع است و می باید در تعیین الگوی مصرف، به آن توجه کرد. تفصیل مطالب درباره این موضوع، در علم فقه بررسی می شود، ولی به دلیل اهمیت و تأثیر تعیین کننده آن در الگوی مصرف، اشاره به آن مناسب می نماید.

کالاها و خدمات مصرفی ممنوع را می توان در سه دسته جای داد:

الف) مصرف مطلق برخی کالاها ممنوع است؛ بدین معنا که برای همه افراد و در هر زمان و مکان، حرام می باشد و مصرف آن - جز در اموری استثنایی همچون اضطرار - روا نیست. ممنوعیت مصرف شراب، خون، مردار، گوشت خوک و حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده است، از چیزهایی است که در قرآن کریم، تصریح شده است. (۱)

برخی آیات قرآن، معیارها و ملاکهای اباحه و تحریم پاره ای کالاها را نیز بیان کرده است؛ خبیث (۲) و پلید (۳) بودن، ایجاد دشمنی، کینه توزی و غفلت، (۴) معیارهایی برای ممنوعیت برخی کالاها یاد شده است. (۵)

ب) مصرف اموال و کالاها دیگران بدون رضایت آنان، گونه دیگری از ممنوعیت مصرف در اسلام است. قرآن کریم، با طرح عنوان کلی «اکل مال به باطل» (۶) و نهی از آن، هرگونه مصرف و تصرفی را که از راههای غیر مشروع همچون تقلب، اختلاس، ربا، قمار، غصب، استثمار و مانند آن باشد،

۱- . برای نمونه نک: بقره (۲)، آیه ۱۷۳؛ مائده (۵)، آیات ۳ و ۹۰؛ انعام (۶)، آیات ۱۴۱ و ۱۴۵؛ نحل (۱۶)، آیه ۱۱۵.

۲- . نک: اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

۳- . نک: انعام (۶)، آیه ۱۴۵.

۴- . نک: مائده (۵)، آیات ۹۰ و ۹۱.

۵- . برای آگاهی بیشتر از آیات مربوط نک: محمد کاظم رجایی، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، صص ۳۳۰-۳۳۴.

۶- . نک: بقره (۲)، آیه ۱۸۸؛ نساء (۴)، آیه ۲۹.

ممنوع ساخته است. ناگفته پیداست که مراد از «اکل» در اینجا، مطلق تصرّف است، خواه به صورت خوردن باشد یا پوشیدن و سکونت و جز آن.

از دیدگاه اسلام، تصرف غاصبانه در اموال مردم، گناهی بسیار بزرگ است. قرآن کریم، تصرّف ناحق در اموال یتیم را چون خوردن آتش می داند که تجسیم عینی آن، آتش دوزخ خواهد بود. (۱) روایات نیز، غصب حقوق مردم را «گناهی نابخشودنی» (۲) دانسته است که حتی شهادت در راه خدا نیز کفّاره آن نمی باشد. (۳)

از سوی دیگر، بر اساس آموزه های دینی، حرام خواری بر روح و روان آدمی تأثیری منفی می نهد و موجب دل مردگی و سنگ دلی می گردد و صفای باطن را می زداید، چنان که مصرف مال حلال، زمینه روحی مناسبی برای انجام کارهای نیک فراهم می سازد. قرآن کریم، با اشاره ای نغز به این نکته، می فرماید: ((يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا)): (۴) «ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید».

دستور به انجام «عمل صالح» در کنار «اکل طیبات» خود اشاره ای به ارتباط میان آن دو است.

در برخی روایات نیز چنین مفهومی آمده است، چنان که امام حسین علیه السلام خطاب به لشکریان عمر سعد، هنگامی که آنان حاضر به شنیدن سخنان ایشان نشدند، فرمود:

«ویلکم! ما علیکم أن تنصتوا إلیّ... فقد ملئت بطونکم من الحرام و طبع علی قلوبکم...»؛ (۵)

۱- . نک: نساء (۴)، آیه ۱۰.

۲- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳- . نک: همان، ج ۵، ص ۹۴.

۴- . مؤمنون (۲۳)، بخشی از آیه ۵۱.

۵- . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸.

وای بر شما! چه چیزی شنیدن سخن مرا بر شما گران نموده است؟... قطعاً شکمهای شما از حرام پر شده است و بر دلهایتان مهر زده شده... .

ج) مصرف پاره ای کالاها در شرایط زمانی و مکانی خاصی ممنوع است. برای نمونه، خوردن و آشامیدن در حال روزه، (۱) صید برخی حیوانات صحرائی (۲) و پوشیدن برخی لباسها در حال احرام (۳) از آن جمله است.

افزون بر اینها، محدودیتهای دیگری نیز در چندوچون مصرف و به ویژه نفی اسراف و مصرف زدگی وجود دارد که پس از این خواهد آمد.

اصول حاکم بر مصرف

اشاره

از دیدگاه ارزشی اسلام، چگونگی و مقدار مصرف، بر اساس معیارها و اصولی مشخص می گردد که معیارهای مهم آن را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. اصل نیاز

اشاره

انسان در زندگی، نیازهای گوناگونی دارد که بخشی از آنها مادی است. نیاز یکی از عوامل مهم و مؤثر در تخصیص درآمد و از انگیزه های مصرف می باشد. از این رو، بایسته است به مفهوم شناسی نیاز و گستره آن پردازیم.

چیستی نیاز

تعریف نیاز و شناسایی مصادیق آن با در نظر گرفتن هدف نهایی انسان، شدنی است. در آغاز گفتیم که هدف نهایی انسان در جهان بینی اسلامی، دست یابی به مقام قرب الهی از راه عبودیت است. هر چیزی که انسان را در

۱- نک: بقره (۲)، آیه ۱۸۷.

۲- نک: مائده (۵)، آیه ۹۶.

۳- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، صص ۳۴۴-۳۴۶؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶۹-۷۰.

وصول به این هدف یاری دهد، نیاز وی شمرده می شود. بی گمان تأمین معاش و امکانات مادی برای پیمودن این مسیر ضرورت دارد^(۱) و از این رو، از دیدگاه اسلام، مصرف با هدف تأمین نیازمندیهای مادی، ضرورتی ارزشمند است. نیز به همین دلیل است که مصرف کمی و کیفی کالاهایی که مانع دست یابی آدمی به هدف نهایی است، ممنوع می باشد.

این نکته یادکردنی است که در آموزه های دینی، نیاز دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. جنبه ذهنی نیاز و به بیان دیگر احساس نیاز، امری روانی است که خاستگاه و معیار قضاوت آن، آدمی است و بس. از این رو، ممکن است شخصی با وجود برخوردار بودن از ثروت زیاد، خود را به شدت نیازمند بداند؛ احساسی که در روایات با تعبیر «فقر النفس»^(۲) نکوهش شده است. اما آنچه در معارف اسلامی مورد توجه واقع شده و بر آن مهر تأیید خورده است، جنبه عینی نیاز یعنی نیازمندیهای واقعی آدمی می باشد که باید برای همه افراد، به اندازه کافی و متناسب با شرایط روز برآورده گردد.^(۳)

گستره نیازهای مادی

اقتصاددانان مسلمان، دسته بندیهای گوناگونی از نیازهای مادی انسان، ارائه نموده اند که به نظر می رسد دسته بندی زیر، تقسیم خوبی در سطوح نیازهای مصرفی مسلمانان، باشد:

۱- ضروریات: آن مقدار از امکانات که برای حفظ سلامت روحی و جسمی فرد، ضرورت دارد.

۲- کفاف: مقداری که نیازها را در سطح متوسط عرفی پاسخ دهد.

۱- نک: حسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها)، صص ۹۴-۹۶.

۲- نک: عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۲.

۳- نک: محمدباقر صدر، اقتصادنا، صص ۶۹۷ - ۶۹۸؛ رضا حسینی، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۳- رفاه: مقداری بالاتر از کفاف به گونه ای که از دید عرف، اسراف و تجمل گرایی به شمار نرود. (۱)

در آموزه های اسلامی بر تأمین نیازهای رفاهی تمام انسانها تأکید شده است، بدین معنا که همه افراد در کنار تأمین نیازمندیهای ضروری خود، از امکانات رفاهی نسبی و متعارف نیز برخوردار باشند:

((وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ ...)): (۲) «و قطعاً شما را در زمین، قدرت عمل دادیم و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم».

((قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...)): (۳) «بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آوردند».

در روایات نیز به این نکته توجه شده است و فراهم ساختن رفاه نسبی جامعه، از آرمانهای اقتصاد اسلامی است، به گونه ای که حتی به فقیران و تنگدستان، آن اندازه زکات و صدقه باید داده شود که به زندگی متوسط دست یابند.

از نگاه این روایات، اقتصاد اسلامی بر آن است تا نیازهای جامعه را برای دست یابی به رفاه نسبی برآورده سازد؛ نیازهایی چون مسکن، آرامش اجتماعی و خدمات. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«من سعادى المسلم سعى المسكن و الجار الصالح و المركب الهنيئ»؛ (۴)

۱- برای این دسته بندی نک: رضا حسینی، الگوی تخصیص در آمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان، ص ۲۴.

۲- اعراف (۷)، آیه ۱۰.

۳- اعراف (۷)، آیه ۳۲.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶. نیز برای روایات دیگر نک: همان، ج ۳، صص ۵۵۶ و ۵۶۰؛ ج ۴، ص ۱۱.

از خوشبختی [و رفاه] مسلمان، وسعت منزل، همسایه خوب و مرکب راهوار است.

نفی نیازهای کاذب

اشاره

از مباحث اساسی اسلام در اصلاح الگوی مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیر واقعی است که خود از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام با سرمایه داری به شمار می رود. از دیدگاه اسلام، نیاز مادی آدمی باید در حد متعارف تأمین گردد، ولی مصارف بیهوده و کاذب، به هیچ روی تأیید نشده است و در صورتی که در مسیر تکامل و هدف نهایی، مانعی ایجاد کند، ضد ارزش محسوب می گردد.

بارزترین مصادیق نیازهای غیر واقعی عبارت است از:

الف) نیازهای ناشی از خواسته های نفس

غریزه و شهوت، دو نیروی محرک آدمی در منفعت خواهی و لذت است و وجود آن برای ادامه حیات و حفظ سلامت او ضرورت دارد. با وجود این، خواسته ها و گرایشهای آدمی دو گونه است: برخی، آدمی را به سوی تکامل و سعادت ره می نماید و این، در صورتی است که خواهشهای نفس و شهوت، به کنترل عقل و شرع درآید و انسان را تنها به سوی تأمین نیازهای واقعی برانگیزد و گونه دوم، خواسته هایی است که انسان را به سوی سقوط و انحطاط می کشاند و وی را در دام نیازهای غیر واقعی، هوسها و امیال افراطی، گرفتار می سازد و این، همان است که در آموزه های دینی با تعبیر «هوای نفس» و تعابیری از این دست، نکوهش شده است: ((إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِنَّهَا مَا رَجِمَ رَبِّي)): (۱) «نفس قطعاً به بدی امر می کند، مگر کسی را که

۱- . یوسف (۱۲)، آیه ۵۳؛ نیز نک: اعراف (۷)، آیه ۱۷۶؛ فرقان (۲۵)، آیه ۴۳؛ جاثیه (۴۵)، آیه ۲۳؛ محمد (۴۷)، آیه ۱۴؛ نازعات (۷۹)، آیات ۴۰-۴۱.

پروردگارم رحم کند».

از آثار پیروی از هوای نفس آن است که برای تحریک آدمی به سوی امیال و هوسهای خود، با تضعیف نیروی عقل، (۱) نیازهایی را در پندار وی می آفریند که در واقع نیاز نیست، بلکه خاستگاه آن، شهوت و نفس و میل به لذت گرایبی است. تأمین چنین نیازهایی به صورت اسراف و تبذیر، تجملات بی حد و مرز، مدگرایی و مصرف گرایی ناشی از هم چشمی و خودبرتربینی، و افراط در تأمین نیازهای واقعی نمود می یابد و این گونه است که قرآن کریم، عملکرد اسراف کاران را در پندار آنان، آراسته معرفی می کند: ((كَذَلِكَ زِينَةٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)): (۲) «این گونه برای اسراف کاران آنچه انجام می دادند، زینت داده شده است».

وجه تمایز نیاز واقعی از شهوت مذموم و هوای نفس آن است که نیاز واقعی، خواسته های تعدیل شده آدمی در تأمین سلامت و نشاط جسمی و روحی او و در محدوده فرامین عقلانی و آموزه های وحیانی است؛ ولی شهوت مذموم و هوای نفس، امیال و هوسهای نامحدود و افسارگسیخته ای می باشد که با مخالفت و ناسازگاری با آموزه های خردورزانه و دینی، به جسم و روح آدمی، زیان می رساند.

بنابراین، مصرف ناشی از هوای نفس به معنایی که یاد شد، در بینش اسلامی نکوهیده است، هرچند نیازهای کاذبی را نیز در پندار شخص ایجاد کرده باشد. زیرا چنین مصارفی، آدمی را در خلاف جهت هدف نهایی، یعنی قرب به خدا سوق می دهد. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرمود:

آن کس که هرچه را خواهد، بخورد و بپوشد و سوار شود، خداوند

۱- برای روایت در این باره نک: عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۴.

۲- یونس (۱۰)، آیه ۱۲.

به او نظر رحمت نمی افکند، مگر آنکه آن را وا نهد و توبه نماید... (۱).

(ب) نیازهای ناشی از تبلیغات

تردید نیست که تبلیغات بازرگانی با هدف معرفی کالا به خریداران و بیان ویژگیها و امتیازات آن، ضرورتی است که در عصر حاضر، یکی از عناصر مهم پیشرفت اقتصادی به شمار می رود.

در آموزه های اقتصادی اسلام به این مهم، توجه شده است؛ برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی بلندقامت که ایستاده، جامه ای کوتاه می فروخت، فرمود:

«اجلس فإنه أنفق لسعتك»؛ (۲)

بنشین تا کالایت بهتر به فروش رسد.

گویا قامت بلند او، اندازه جامه را برای خریداران، کوتاه تر از اندازه واقعی اش می نمایانده و نشستن مرد، خود تبلیغی عملی برای معرفی کالای او بوده است.

با وجود این، امروزه تبلیغات تجاری، از فلسفه وجودی خود فاصله گرفته و کارکرد اصلی آن، به جای معرفی کالا به «ایجاد احساس نیاز» تبدیل گشته است؛ «تجارت تبلیغات» جای «تبلیغات تجاری» را گرفته است و شرکتهای بزرگ، هزینه های هنگفتی (۳) را به این امر اختصاص داده اند تا با تأثیر بر افکار عمومی، با استفاده از پیشرفته ترین شگردهای تبلیغاتی،

۱- نک: حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه کمره ای، ص ۳۷.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۳۱۲.

۳- برای مثال طبق آمار تنها در سال ۱۹۸۴ م. شرکتهای فراملّیتی، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برای فروش محصولات و خدمات خود، خرج تبلیغات و هزینه بازاریابی کرده اند و این رقم، در سالهای بعد روندی صعودی داشته است (نک: لستر براون و همکاران، علائم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، صص ۱۲۹-۱۳۰؛ ابراهیم شهبازی و محمدحسین شمسایی، «سرمایه داری علت عقب ماندگی»، پدیده شناسی فقر و توسعه، ج ۳، ص ۹۸).

تولیدات خود را بفروشد و اعتبار بیشتری به دست آورند.

بدیهی است که پیامد این گونه تبلیغات برای افراد و جوامع ثروتمند، رشد مصرف گرایی، اسراف، مدگرایی و هم چشمی است و برای افراد و جوامع فقیر، حسرت و سرخوردگی و ناکامی و یا مفسد اقتصادی و کارهای غیر قانونی همچون سرقت. به دیگر سخن، این گونه تبلیغات به ویژه بر افراد کم درآمدی که از فقر فرهنگی نیز رنج می برند چنان تأثیر می نهد و آنان را برای دارا بودن کالاهای تبلیغ شده تحریک می کند که یا برای پول دار شدن، دست به اقدامات خلاف شرع و قانون می زنند و یا با آه و حسرت، تحریکات پی در پی را بی واکنش گذارده، تحمل می کنند و به مشکلات روحی و گاه اختلافات خانوادگی دچار می گردند.

در آموزه های دینی برای مقابله با تبلیغات دروغین، دستوراتی داده شده است:

یک. تأکید بر راستگویی: یکی از ویژگیهای مهم تاجر مسلمان، راستگویی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... فإن التاجر الصدوق مع السفری الکرام البرری یوم القیامی»؛^(۱)

به راستی که تاجر راستگو، روز قیامت، با سفیران گرامی نیکوکار [فرشتگان والامقام] همراه است.

روشن است که در تبلیغات بازرگانی، واقع نمایی شرط نخست است.

دو. اشاره به کاستیها و عیوب کالا: بر این نکته تأکید فراوانی شده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«من باع و اشتری فلیحفظ خمس خصال وإلا فلا یشتربنّ و لا یبعنّ... و کتمان العیب»؛^(۲)

۱- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

هر کس خرید و فروش می کند باید پنج خصلت را حفظ نماید و گرنه هرگز خرید و فروش نکند: [یکی از آنها عبارت است از: پرهیز از] پنهان کردن عیب.

در روایات دیگر تصریح شده که پنهان کردن عیب، گونه ای غش [فریب] است و فروشنده یا هر فرد آگاه دیگر باید مشتری را از عیب کالا آگاه نماید. (۱)

سه. نهی از تبانی برای تبلیغات فریبنده: این موضوع در روایات، با نام «نَجْش» یاد شده است و مفهوم آن این است که شخصی بی آنکه خرید کالایی را قصد داشته باشد، پیوسته از آن تعریف کند یا وانمود نماید به قیمت بالایی خریدار است تا دیگران را در خرید کالا فریب دهد. (۲) البته به تصریح برخی فقیهان، این کار حتی بدون تبانی با فروشنده نیز حرام است. (۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... الناجش و المنجوش ملعونون علی لسان محمّد»؛ (۴)

تمجیدکننده [کالا] و آن کس که به نفع او تمجید شده است، بر زبان محمد نفرین شده اند.

چهار. نفی جلوه های کاذب تبلیغاتی: ایجاد جلوه های کاذب تبلیغاتی در محل فروش کالا با نورهای خیره کننده، صداهای محرّک و بسته بندیهای لوکس و فریبنده، از شگردهای تبلیغاتی کاذب به شمار می رود که در آموزه های دینی نهی شده است.

هشام بن حکم گوید: در سایه، مشغول فروختن جامه های نازک بودم که امام کاظم علیه السلام به من رسید و فرمود:

۱- . نک: نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۷.

۲- . مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، صص ۴۰۲-۴۰۶.

۳- . نک: محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۷۶.

۴- . محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

ای هشام! فروختن در سایه، [گونه ای از] غش [فریب] است و غش قطعاً حلال نیست. (۱)

افزون بر اینها، در روایات از سوگند در معامله نیز نهی شده است؛ (۲) زیرا این کار، علاوه بر آنکه استفاده ابزاری و تبلیغاتی از مقدّسات است، تأثیر زیادی بر خریداران مؤمن و معتقد بر جای می گذارد، آن سان که اندیشه مخاطب را از تمرکز بر جنبه های کلیدی و محاسبه دقیق اطلاعاتِ ارائه شده، باز می دارد. اگر در گذشته، سوگند چنین تأثیری بر مخاطبان داشته است، امروزه به گونه گسترده تر، شگردها و جلوه های تبلیغات بازرگانی، چنین تأثیری می نهد. (۳) بنابراین، اتخاذ شیوه هایی که با تأثیرات روانی، قدرت اندیشیدن و تصمیم گیری منطقی افراد را تضعیف می نماید، مردود است.

تأثیر عنصر تبلیغ بر الگوی مصرف و چندوچون آن در اقتصاد امروز کاملاً شناخته شده است. سرمایه داران بزرگ دنیا با به دست گرفتن رسانه های تبلیغاتی، ذهن و اندیشه مخاطبان را پیوسته به انتخاب کالاهای خود جلب می کنند و با شیوه های گوناگون، مصرف گرایی را ترویج می نمایند. (۴)

این شیوه تبلیغاتی که همگام با اهداف مکتب سرمایه داری بر پایه افزایش سود و لذت استوار است، از دیدگاه اقتصادی اسلام ارزشی ندارد؛ چراکه با ایجاد نیازهای کاذب، آدمی را به مصرف گرایی و تجملات می کشاند و به امیال نفسانی وی دامن می زند و مخالف با گرایشهای متعالی اسلام همچون عدالت خواهی و نوع دوستی و ارزشهای اصیلی همچون زهد و قناعت است.

۱- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۶۰.

۲- ر.ک. همان، ج ۵، ص ۱۵۱؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۱.

۳- نک: یوسف قرضاوی، دور القیم و الاخلاق فی الاقتصاد الاسلامی، صص ۲۸۸-۲۸۹.

۴- در این باره نک: رضا حسینی، الگوی تخصیص در آمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان، ص ۱۷۵.

اولیای الهی از یک سو با ارائه الگوی عملی مصرف که مبتنی بر ارزشهای دینی است، به تبلیغ مصرف اسلامی پرداخته اند و با زهد و ساده زیستی، هرگونه مصرف گرایی و تجمل پرستی را مردود دانسته اند و از سوی دیگر، با تعدیل و کنترل تبلیغات تجاری، هرگونه اقدام مسلمانان را که نشان از مصرف گرایی داشت، نکوهیده اند.

ج) نیازهای ناشی از شأنهای اعتباری

برخی چنین می پندارند که افراد برخوردار از مقام و موقعیت بالای اجتماعی، باید در چگونگی و مقدار مصرف، به گونه ای متفاوت از مردم عادی عمل نمایند و با بهره مندی از امکانات بیشتر، به نوعی تجمل گرایی و زندگی اشرافی روی آورند. اینان، چنین رفتاری را با مسئله «شأن» آنان توجیه نموده اند و با الزامی انگاشتن آن، توجه به ساده زیستی را خلاف شأن آنان دانسته اند. (۱)

ولی به راستی آیا شأن به مفهوم پیشین - که تنها دارا بودن موقعیت اجتماعی، توجیه کننده نوعی تجمل گرایی است - از نگاه اسلام، پذیرفتنی است و آیا شأنیت، مصرف گرایی اشرافی را برای خواص ایجاد می کند؟

در پاسخ باید گفت: «شأن» در لغت به معنای «کار مهم»، «امر» و «حال» آمده است. (۲) در قرآن کریم، چهار بار این واژه به کار رفته است که در همه به معنای «کار مهم» می باشد. (۳)

۱- . استناد علمی این مسئله، بحثها و جستارهای فقیهانه ای است که در آن، دست کم در سه باب خمس، زکات و استطاعت حج، بحث «شأن» و لزوم رعایت آن بررسی شده است (برای نمونه نک: محمد کاظم طباطبایی، العروی الوثقی، ج ۲، صص ۲۰۶-۲۰۷).

۲- . نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۳۰؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۷۰؛ مبارک بن محمد جزری (ابن اثیر)، النهایی فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳- . نک: یونس (۱۰)، آیه ۶۱؛ نور (۲۴)، آیه ۶۲؛ رحمن (۵۵)، آیه ۲۹؛ عبس (۸۰)، آیه ۳۷.

از آنجا که کارهای مهم، آدمی را به خود مشغول می‌دارد،^(۱) این واژه به معنای «شغل» نیز به کار رفته است و به تدریج، معنای عرفی مقام و موقعیت شخصیتی و اجتماعی افراد را گرفته است.

از مجموع آموزه‌های دینی چنین برمی‌آید که رعایت شأن افراد در بهره‌مندی از امکانات به دو صورت تصوّرشدنی است؛ یکی از این دو پذیرفتنی و مستدل است و دیگری ناپذیرفتنی و بی‌دلیل. صورت نخست که شأنیت در تعیین نوع و مقدار مصرف تأثیر دارد، این‌گونه تبیین می‌شود:

در نظام اسلامی، ارزشها، شایستگیها و توانمندیهای افراد، جایگاه اجتماعی و مسئولیت آنان را مشخص می‌سازد و این جایگاهها به تناسب خود، وظایف افراد را تعیین می‌کند. طبیعی است که هر کس در انجام وظایف خود، نیازمند امکاناتی است. بنابراین، «شأن» هر فرد که همان موقعیت و مسئولیت اوست، وظایفی را بر دوش می‌نهد که او حق دارد متناسب با شأن خویش، از امکانات لازم استفاده کند تا به تکلیف خود به شایستگی عمل کند. بر این اساس، شأن هر فرد، توأم با «نیاز» واقعی وی می‌باشد و همان ادله‌ای که مصرف به هنگام نیاز را تجویز یا الزامی می‌کند، در اینجا نیز این‌گونه است. برای مثال، یک محقق و پژوهشگر برای انجام تحقیقات علمی، نیازمند رایانه‌ای با قدرت و سرعت بالاست، یا نیروی انتظامی جهت انجام به موقع مأموریتها و تأمین نظم و امنیت، به خودروهایی پرقدرت و پرسرعت نیاز دارد. در این‌گونه موارد گفته می‌شود استفاده از این وسایل، در شأن این افراد است و چون این شأنیت برخاسته از نیاز می‌باشد، معقول و مورد تأیید است.

از سوی دیگر، گاه ممکن است استفاده از برخی کالاها برای افراد

۱- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹-۱۰، ص ۶۶۸.

برخوردار از مقام و موقعیت اجتماعی، به دلیل شرایط خاص زمانی و مکانی باعث نوعی سرشکستگی در جامعه و تحقیر و خواری آنان باشد. در اینجا نیز برای حفظ عزت و شخصیت فرد، چندوچون مصرف وی در حد نیاز، تغییر می یابد، چنان که حضرت رضا علیه السلام با اشاره به این نکته می فرماید:

«إن أهل الضعف من موالی یحبون أن أجلس علی اللبود و ألبس الخشن و لیس یحتمل الزمان ذلک»؛^(۱)

دوست داران بی بضاعت من، دوست دارند من روی نمد بنشینم و لباس خشن بپوشم، ولی زمانه ما آن را بر نمی تابد.

بدین سان، رعایت شأن به معنای «بهره گیری از امکانات لازم و متناسب با زمان، برای انجام وظایف و حفظ عزت و آبرو» نوعی «نیاز» به الگوی مصرفی خاص را ایجاد می کند که از دیدگاه اسلام تأیید شده است.

صورت دوم که تأثیر شأنیت افراد در نوع مصرف، پذیرفتنی نیست، رعایت شأنهای اعتباری است، بدین معنا که شخص به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به فردی صاحب مقام، تلاش کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران قیمت و تجملاتی بداند و با مسئله «شأن»، آن را توجیه نماید، بی آنکه در واقع نیازی به آن داشته باشد.

رعایت چنین شأنی، نه تنها هیچ دلیل و مدرکی ندارد، بلکه کاملاً مردود است، چراکه آیات و روایات متعدد و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام، شأنهای اعتباری را که برخی افراد یا گروهها، خاستگاه امتیازاتی ویژه برای خود تلقی می کردند، پوچ و بی اساس معرفی کرده اند. برای نمونه آیات متعددی بر لزوم همراهی پیامبران با مؤمنان محروم و فاقد موقعیت اجتماعی دلالت دارد،^(۲)

۱- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۹.

۲- . برای نمونه نک: هود (۱۱)، آیات ۲۷ و ۲۹؛ کهف (۱۸)، آیه ۲۸؛ شعراء (۲۶)، آیات ۱۱۱-۱۱۴.

با اینکه بسیاری از اشراف جامعه، شرط گرویدن خود را به پیامبران، دوری آنان از محرومان قرار داده بودند، هر چند پیامبران هرگز نوع رفتار و زندگی خود را برای جلب نظر ثروتمندان تغییر ندادند. نیز داستان ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و رهبر حکومت اسلامی، با زینب، همسر مطلقه غلام آزادشده حضرت،^(۱) همچنین داستان ازدواج جُوَیِرِ جوان فاقد امکانات مادی و وجاهت اجتماعی با ذَلْفَا دختری با خانواده اصیل و ثروتمند، به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله،^(۲) همگی خط بطلانی بر شأنهای اعتباری به شمار می رود.^(۳) مهم تر از اینها، ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام در زمان حکومت خود و حتی تصریح علی علیه السلام به لزوم ساده زیستی حاکمان،^(۴) خود دلیل محکمی بر این مدعاست.

بنابراین، مقام و موقعیت اجتماعی، در صورتی که نیازی واقعی به استفاده از برخی امکانات را ایجاد نکند، نه تنها توجیه کننده تجمل گرایی نیست که مسئولیت مضاعفی در لزوم زهد و ساده زیستی نیز ایجاد می کند.^(۵)

۱- نک: احزاب (۳۳)، آیات ۳۷-۳۸.

۲- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۳۳۹-۳۴۳.

۳- برای توضیح بیشتر نک: احمد عابدینی، «امام خمینی، ساده زیستی و مسئله شأن»، مجله فقه، شماره ۲۱ و ۲۲، سال ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ ش، صص ۲۹۳ و ۳۲۹-۳۴۹.

۴- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۵- گفتار فقیهان را درباره لزوم رعایت شأن، باید ناظر به صورت نخست دانست که در آن، شأن افراد، توأم با نوعی نیاز به امکانات خاص است تا وظایف خود را به درستی انجام دهند و عزت آنان حفظ شود، چنان که برخی فقیهان به مسئله «نیاز» در کنار مسئله «شأن»، تصریح نموده اند (نک: محمد کاظم طباطبایی، العروی الوثقی، ج ۲، ص ۲۰۶). یادکردنی است مسئله «شأن» در گفتار فقیهان پیش از محقق حلی (م. ۶۷۶ ق.). دیده نمی شود و ظاهراً نخستین بار، محقق حلی اشاره ای به آن کرده است و برخی فقهای بعدی نیز به آن تصریح نموده اند. هر چند برخی همچون شهید اول، آشکارا آن را رد کرده اند (نک: جعفر بن حسن حلی (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۴؛ محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۲؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۵۶).

۲. اصل تقدیر معیشت

از اصول مهم اسلامی در مصرف، تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی است که با عنوان «تقدیر معیشت» مطرح می‌گردد. تقدیر معیشت در واقع برنامه ریزی صحیح و واقع بینانه و ساماندهی به مسائل اقتصادی است تا استفاده از امکانات مالی برای تأمین نیازها و رفاه نسبی، هرچه بیشتر و بهتر انجام گیرد. روشن است که نبود تدابیر لازم در تخصیص درآمد و مصرف، اتلاف سرمایه های مادی و هدر رفتن نیروهای انسانی را باعث می‌شود و دست یابی به رفاه و آسایش را - به ویژه در صورت محدودیت درآمد و امکانات - دشوار یا ناممکن می‌سازد. اهمیت این موضوع در بُعد اقتصادی و به تبع آن در دیگر ابعاد زندگی تا آنجاست که در روایات، از آن به عنوان «نیمی از ابزار تأمین زندگی» و نشانه ایمان و کمال شخص یاد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«التقدیر نصف المعیشی»؛^(۱)

تقدیر و اندازه گیری، نیمی از وسیله زندگی است.

نیز می‌فرماید:

«قوام العیش حسن التقدیر و ملاکه حسن التدبیر»؛^(۲)

استواری زندگی به حسن تقدیر است و ملاک آن، تدبیر نیک.

از مجموع آموزه های دینی چنین برمی آید که تقدیر معیشت، دست کم بر سه پایه بنیادین استوار است و تخصیص درآمد باید بر اساس این سه محور تدبیر و ساماندهی گردد:

الف) توجه به نیازمندیهای جسمی و روحی و اولویت بندی آن؛ که در بحث پیشین، به اختصار بررسی شد و پس از این نیز توضیح بیشتری

۱- حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه کمره ای، ص ۱۰۵.

۲- عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۴.

خواهد آمد.

ب) تناسب درآمد با هزینه ها؛ این مهم در آموزه های دینی تأکید فراوان شده است. قرآن کریم در این باره می فرماید: ((لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِشْرًا مِمَّا آتَاهَا...)): (۱) «بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده است، خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است، تکلیف نمی کند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«إن المؤمن أخذ عن الله سبحانه و تعالی أدباً حسناً: إذا وسَّع عليه وسَّع على نفسه و إذا أمسك عليه أمسك»؛ (۲)

به راستی مؤمن، ادبی نیک از خداوند متعال آموخته است: هرگاه خدا [روزی را] بر او گشایش دهد، او بر [زندگی] خود گشایش دهد و زمانی که خداوند بر او تنگ گیرد، او نیز [بر خود] سخت گیرد.

از این رو، در روایات آمده است که شخص کم درآمد در خرید و هزینه های زندگی، با افراد ثروتمند همراهی نکند و با الگوپذیری از آنان، خود را به تکلف یا ذلت نیفکند. (۳)

ج) شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم؛ از پاره ای روایات برمی آید که در تقدیر معیشت و تدبیر زندگی، افزون بر توجه به مقدار درآمد و هزینه های فرد و خانواده، به شرایط اقتصادی عمومی نیز باید توجه شود، بدین معنا که شرایط نامناسب اقتصادی جامعه، باید بر نوع و مقدار کالاهای مصرفی و چگونگی تخصیص درآمد فرد، تأثیر گذار باشد، حتی در صورتی

۱- . طلاق (۶۵)، آیه ۷.

۲- . محمد بن عبدالله نیشابوری (حافظ نیشابوری)، معرفی علوم الحدیث، ص ۳۸.

۳- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۲۸۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۱۳.

که وی از وضعیت مطلوبی برخوردار باشد و شرایط دشوار اقتصادی جامعه، به طور طبیعی تأثیری بر او نگذارد. رعایت این نکته در روایات، با عنوان «حسن تقدیر در معیشت» یاد شده است. نمونه آن، رفتار امام صادق علیه السلام است که در زمان کمبود مواد غذایی و گرانی قیمت‌ها در مدینه، مواد غذایی ذخیره شده برای مصرف خانواده خود را فروختند و پس از آن به همراه مردم، روزانه خرید می کردند و برای خانواده خویش، نیمی جو و نیمی گندم فراهم می آوردند. با اینکه توانایی تهیه گندم را به تمامی داشتند، می فرمودند:

«و لکنی أحبّ أن یرانی الله قد أحسنت تقدیر المعیشی»؛^(۱)

ولی دوست دارم که خداوند مرا این گونه بیند که تقدیر معیشت را به نیکی انجام داده ام.

بنابراین، ذخیره مواد غذایی به مقدار نیاز چندماهه، گونه ای تقدیر معیشت است و عرضه آن به بازار در شرایط دشوار اقتصادی (مواسات مالی)، مصداقی از حسن تقدیر معیشت.

بدین سان، تقدیر معیشت و تدبیر اقتصاد زندگی باید بر اساس این سه محور باشد و به اصول دیگر مصرف و سلیقه افراد در انتخاب کالاها - در چارچوب معیارها- توجه شود و تلاش گردد تا عواملی همچون تبلیغات یا الگوپذیری از مسرفان و مترفان یا بخیلان و تنگ نظران، معیار برنامه ریزی قرار نگیرد.

اصل تقدیر معیشت در مفهوم گسترده خود، تمامی ناشایست‌ها همچون اسراف، تبذیر و تضييع مال را نفی می کند و ارزشها و معیارهای اخلاق اقتصادی را باز می نماید. اصل میانه روی از این معیارهاست که اکنون به تفصیل خواهد آمد.

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۶۶.

۳. اصل اعتدال

اشاره

از معیارها و ارزشهای مهم اسلامی در تمام ابعاد زندگی و از جمله مصرف، اصل اعتدال است. این اصل که آموزه های دینی بر آن تأکید کرده، از سوی خرد و فطرت آدمی نیز مهر تأیید خورده است؛ چرا که ساماندهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی او مرهون رعایت همین اصل است.

افزون بر آن، اهمیت رعایت میانه روی در مصرف از آنجاست که از یک سو نیازهای انسان متنوع است و به دلیل محدودیتها، نمی تواند تمام آن را به بیشترین مقدار برآورده سازد. از این رو باید نیازهای گوناگون در نظر گرفته شود و در حد اعتدال به آن رسیدگی گردد. از سوی دیگر، بیشتر امکانات و منابع مادی، محدود است و زیاده روی گروهی در مصرف، محرومیت دیگران را به همراه خواهد داشت. از جنبه دیگر، سلامت و نشاط انسان و پرداختن به ابعاد دیگر زندگی به ویژه امور معنوی، نیازمند مصرف معتدلانه است. از این رو، بیهوده نیست که در آموزه های دینی، به اصل اعتدال بیش از اصول دیگر پرداخته شده است.

جایگاه و گستره اعتدال در مصرف

در آموزه های دینی، جایگاه اصل اعتدال در مصرف و شمول و ثبوت آن را به خوبی می توان دریافت.

در این آموزه ها، از اصل اعتدال با تعبیری چون «قصد»، (۱) «اقتصاد»، (۲) «قوام»، (۳) و «وسط»، (۴) یاد شده است که هر یک، افراط و تفریط در اقتصاد را

۱- نک: الفقه، منسوب به امام رضا علیه السلام، ص ۲۵۴.

۲- نک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۳.

۳- نک: فرقان (۲۵)، آیه ۶۷.

۴- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۵۴۰.

نکوهیده است.

قرآن کریم در بیانی استوار، بر رعایت میانه روی در هزینه های زندگی و پرهیز از زیاده روی و سخت گیری تأکید فرموده است: ((وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا)): (۱) «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند».

در روایتی نیز چنین آمده که شخصی از حضرت رضا علیه السلام در مورد چگونگی تأمین نیازهای خانواده پرسید. امام علیه السلام فرمود:

بین دو کار ناپسند قرار داری... آیا نمی دانی که خداوند زیاده روی و سخت گیری را ناپسند دانست و فرمود: ((وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا...)): (۲)

اهمیت اعتدال تا آنجاست که حتی صرف مال در راه خدا و انفاق نیز باید در حد میانه و به دور از افراط و تفریط انجام گیرد: ((وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعِدَ مَلُومًا مَحْسُورًا)): (۳) «و دستت را به گردنت زنجیر مکن [بخل منما] و بسیار [هم] گشاده دستی مکن تا ملامت شوی و حسرت زده بر جای مانی».

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«إنَّ لِلسَّخَاءِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرْفٌ... وَ لِلاَقْتِصَادِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بَخْلٌ...»؛ (۴)

سخاوت اندازه ای دارد که فراتر از آن، اسراف است... و میانه روی حدی دارد که پایین تر از آن، خساست است.

۱- . فرقان (۲۵)، آیه ۶۷.

۲- نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، صص ۵۴ و ۵۵؛ نیز: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۵.

۳- . اسراء (۱۷)، آیه ۲۹.

۴- . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷.

معیارهای اعتدال

یکی از مباحث اساسی در بحث اعتدال آن است که چگونه و با چه معیارهایی حد میانه را باز شناسیم. پیش از این، در بحث اسراف، ملاک‌هایی را برای تشخیص محدوده اسراف بیان کردیم. با توجه به آن و با در نظر داشتن آیات و روایات مربوط به اعتدال در مصرف، دست کم دو معیار اساسی برای تعیین حد وسط در مصرف وجود دارد:

یک. «نیاز» آدمی به امکانات مادی و کالاهای مصرفی، به گونه ای که هرگاه مصرف کالایی از نظر چندوچون، برای برطرف کردن نیازی از نیازمندیهای آدمی کافی نباشد، مصداقی از تفریط است و در صورتی که فراتر از حد نیاز باشد، به اسراف و اتراف منجر می گردد که خود گونه ای از افراط و تجاوز از حد میانه خواهد بود. بنابراین مصرف به حد نیاز، به طوری که سلامتی، نشاط و کارآمدی شخص را تأمین نماید، میانه روی خواهد بود. روشن است که نیازهای برخاسته از شأن - به مفهوم صحیح آن - نیز پذیرفتنی است و خروج از حد اعتدال به شمار نمی رود. امام صادق علیه السلام درباره این معیار می فرمایند:

«لیس فیما أصلح البدن إسرافٌ... إنّما الإسراف فیما أفسد المال و أضرّ بالبدن». قلت: فما الإقتار؟ قال: «أكل الخبز و الملح و أنت تقدر علی غیره». قلت: فما القصد؟ قال: «الخبز و اللحم و اللبن و الخلّ و السمن، مری هذا و مری هذا»؛^(۱)

«در [مصرف] آنچه برای بدن مفید است، اسراف نیست، بلکه اسراف در جایی است که مال را تباه سازد و به بدن زیان رساند». [راوی گوید]: گفتم: سخت گیری چیست؟ فرمود: «خوردن نان و نمک، در حالی که توان مصرف غیر آن را داری». گفتم: میانه روی چیست؟ فرمود: «[خوردن گهگاهی] نان و گوشت و شیر و سرکه و روغن».

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

همچنین روایاتی که زیانهای جسمی و روحی به کار نبردن اصل اعتدال را برشمرده است، تأییدی بر این مطلب به شمار می رود.

دو. شرایط زمان. این معیار از دو جهت بر تعیین حد میانه تأثیر دارد:

جهت نخست، شرایط اقتصادی جامعه و وضعیت معیشت مردم. عدالت در توزیع امکانات، اقتضا می کند سهم هر فرد از کالاهای مصرفی، متناسب با امکانات موجود در جامعه تعیین گردد. بنابراین، در جامعه ای ثروتمند و برخوردار، میانگین مصرف عمومی، بالاتر از جامعه فقیر و محروم خواهد بود.

روایاتی چند بر این مطلب دلالت یا اشاره دارد، از جمله حدیث مشهور سیفیان ثوری است. وی با دیدن لباسهای زیبا و کم و بیش گران قیمتی که امام صادق علیه السلام بر تن داشت، به اعتراض گفت: ای فرزند رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و هیچ یک از پدران چنین لباسی نپوشیده بودند! امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«كان رسول الله صلى الله عليه وآله في زمانٍ قترٍ مقترٍ و كان يأخذ لقترة و اقتداره و إن الدنيا بعد ذلك أرخت عزاليها، فأحق أهلها بها أبرارها»؛^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمانی می زیست که وضع زندگی مردم بسیار سخت و دشوار بود و ایشان نیز طبق همان شرایط، رفتار می نمود، ولی پس از او، دنیا بر مردم گشایش یافت، پس سزاوارترین افراد به [استفاده از] آن، نیکان می باشند.

سخن امیر مؤمنان علیه السلام نیز می تواند اشاره ای به این نکته داشته باشد:

«و لو شئت لاهتدیت الطريق إلى مصفَى هذا العسل و لباب هذا القمح و نسائج هذا القز، و لكن هیئات... و لعل بالحجاز أو الیمامی من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشبع أو أبيت مبطاناً و حولی بطون غرثی و أكبادٌ حرّی»؛^(۲)

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

و اگر می خواستم، می دانستم چگونه عسل پالوده و مغز گندم و بافته ابریشم را به کار برم، لکن هرگز... [چراکه] شاید در حجاز یا یمامه، کسی حسرت گرده نانی برد و هرگز شکمی سیر نخورد و من سیر بخوابم و پیرامونم شکمهایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته، و جگرهایی سوخته.

این نکته نیز یادکردنی است که هرچند در شرایط مناسب اقتصادی و در جوامع ثروتمند، سطح زندگی عمومی ارتقا می یابد و حد اعتدال، بالاتر می باشد، معنای این سخن، تجویز اسراف و اتراف و مصرف گرایی نیست. به دیگر سخن، حد اعتدال در چارچوب محدودیتها و ارزشهای حاکم بر مصرف، در نوسان است و به گونه ای است که حد کمینه آن به سخت گیری نینجامد و حد بیشینه اش به اسراف و اتراف.

جهت دوم، در تأثیر شرایط زمان بر تعیین حد اعتدال، توجه به آداب و رسوم مشروع جامعه است. هر جامعه ای بر اساس فرهنگ حاکم بر آن، آداب و رسومی در چندوچون مصرف دارد که الزامات اجتماعی، همگان را به رعایت آن وا می دارد و حتی مخالفت با آن، موجب ایجاد نوعی نفرت یا ذلت و خواری در دید عموم می گردد. به خوبی روشن است که هرگاه این آداب و رسوم، مخالفتی با شرع نداشته باشد، رعایت آن لازم خواهد بود. از همین روست که پوشیدن لباس شهرت که به دلیل مخالفتش با آداب و رسوم حاکم، آدمی را انگشت نما می سازد، ممنوع است.^(۱)

بر این اساس، در رعایت حد اعتدال مصرف، به این مسئله باید توجه شود. چنان که سخن پیشین حضرت رضا علیه السلام، به همین نکته اشاره داشت که فرمود:

دوستانان بی بضاعت من مایلند که من روی نمد نشینم و لباس خشن

۱- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴.

پوشم، در حالی که [شرایط] زمان، چنین چیزی را بر نمی‌تابد. (۱)

نیز امام صادق علیه السلام، در بیان تفاوت سیره خود با سیره علی علیه السلام در پوشیدن لباس می‌فرماید:

«إنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانِ لَيْتَنُكَرَ عَلَيْهِ وَ لَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شَهْرًا بِهِ، فَخَيْرَ لِبَاسٍ كَلَّ زَمَانَ لِبَاسِ أَهْلِهِ»؛ (۲)

همانا علی بن ابی طالب علیه السلام آن گونه لباس [خشن] را در زمانی می‌پوشید که بر او خرده نمی‌گرفتند، ولی پوشیدن آن در زمان ما موجب شهرت خواهد بود، پس بهترین لباس هر زمانی، لباس مردم همان زمان است.

آثار مثبت اعتدال

اشاره

پیمودن راه تکامل و دست‌یابی به هدف نهایی، در گرو رعایت اعتدال در همه عرصه‌های زندگی است، (۳) بنابراین، رعایت این اصل برای رسیدن به کمال، ضروری می‌نماید.

میان‌ه روی در مصرف نیز یکی از مصادیق این اصل است که آثار مثبت فراوانی در پی دارد. برخی از این آثار عبارت است از:

الف) آثار اقتصادی

بر اساس آموزه‌های دینی و بر پایه حکم عقل و تجربه، میان‌ه روی در مصرف، تأثیر بسزایی در ساماندهی امور اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه پیش‌گیری از فقر و عقب‌ماندگی فرد و جامعه دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«الاقْتِصَادُ يَنْمِي الْقَلِيلَ»؛ (۴)

۱- . نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۹.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳- . نک: مرتضی مطهری، انسان کامل، صص ۴۱-۶۰.

۴- . عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۳.

میانہ روی، [مال] کم را رشد می دهد.

نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ضمنت لمن اقتصد أن لا يفتقر»؛^(۱)

تضمین می کنم آن کس که میانہ روی کند، فقیر نگردد.

(ب) سلامت جسم و جان

میانہ روی به ویژه در مصرف مواد خوراکی، ضامن سلامتی جسم و جان فرد است؛ زیرا زیاده روی در آن، عامل بسیاری از بیماریهاست^(۲) و تأثیراتی منفی بر جان و روان آدمی می نهد، چنان که تفریط در این امر نیز سبب سوء تغذیه، ضعف و بیماری خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«إياكم و فضول المطعم، فإنه يسم القلب بالقسوى و يبطن بالجوارح عن الطاعى و يصم الهمم عن سماع الموعظى»؛^(۳)

از پرخوری بپرهیزید که آن، سنگ دل می آورد و اعضای بدن را در اطاعت خدا تنبل می سازد و گوش همت آدمی را از شنیدن پند و اندرز کر می سازد.

نیز امام علی علیه السلام می فرمایند:

«من اقتصر فى أكله، كثرت صحته و صلحت فكرته»؛^(۴)

هر که اندازه خورد، سلامتی اش فزونی یابد و اندیشه اش به درستی گراید.

(ج) محبوبیت الهی

اعتدال در مصرف، موجب خشنودی خداوند است، چراکه استفاده مطلوب از نعمتهای او در مسیر رسیدن به هدف نهایی و قرب به حق، تنها در پرتو

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

۲- نک: صادق عبدالرضا علی، القرآن و الطبّ الحدیث، صص ۱۱۰-۱۱۵.

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷.

۴- عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۰.

رعایت این اصل، شدنی است. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۱۹۵ از سوره بقره: ((إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)) می فرماید:

خداوند متعال می فرماید: «به راستی خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد» که منظور، میانه روان است. (۱)

یادکردنی است خروج از حد اعتدال، بیشتر به شکل زیاده روی و اسراف و تبذیر است که در مباحث بعدی به تفصیل خواهد آمد.

۴. اصل توجه به اولویتها

رعایت اولویتها در تخصیص درآمد و مصرف، برای دست یابی به الگوی مصرف مناسب و جلوگیری از نارساییها و تضییع حقوق افراد، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. ضرورت این کار برای افرادی که درآمدی محدود دارند، نمود بیشتری می یابد.

تعیین اولویتهای تخصیص درآمد، از دو جنبه ارزیابی می شود:

نخست، از نظر نوع و مقدار کالاهای مصرفی و خدمات.

روشن است که انسان در زندگی، نیازمندیهای گوناگونی دارد؛ برخی از این نیازمندیها نیازهای اساسی و ضروری زندگی است و برخی در درجه بعدی قرار می گیرد. پاره ای از مصارف نیز تنها برای تأمین یا افزایش رفاه و آسایش زندگی است. بی گمان تا زمانی که نیازهای اساسی فرد و جامعه به شایستگی برآورده نشود، نوبت به مصارف رفاهی و کالاهای تجملاتی نمی رسد. بنابراین، با توجه به نوع و مقدار نیاز، اولویتها مشخص می گردد.

دوم، تعیین اولویتها بر اساس افراد و گروههای مصرف کننده.

بر اساس آموزه های دینی، در شرایط عادی، تأمین نیازمندیهای شخصی انسان در اولویت است. پس از آنکه نیازهای اولیه و اساسی فرد تأمین شد،

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

رفع نیازهای پدر و مادر، فرزند، همسر و آنگاه خویشاوندان نیازمند و سپس سایر نیازمندان و نیز مشارکت در خدمات اجتماعی و امور خیریه، در مراحل بعدی جای می گیرد. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

مردی دو دینار خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و گفت: ای رسول خدا! می خواهم این دو دینار را در راه خدا مصرف نمایم. حضرت فرمود: آیا پدر و مادر داری؟ گفت: آری. فرمود: این پول را برای آنان هزینه کن که از مصرف آن در راه خدا بهتر است. چندی بعد آن مرد بازگشت در حالی که دو دینار دیگر به همراه آورده بود تا در راه خدا خرج کند، این بار حضرت به او دستور داد آن را برای فرزندش خرج نماید... . بار سوم دو دینار آورد و پیامبر، مصرف آن را برای همسرش سفارش فرمود و بار چهارم، برای خادمش... . آخرین بار، حضرت اجازه داد پولش را در راه خدا صرف کند و فرمود که مصرف آن در راه خدا فضیلتی بیش از مصرف آن در راههای پیشین نداشت. (۱)

در روایات دیگر نیز تصریح شده است که نباید به نفع برادر دینی اقدام به کاری نمود که زیان آن برای شخص، بیش از سود آن برای برادر مؤمنش است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لا تدخل لأخیک فی أمر مضرتہ علیک أعظم من منفعتہ له»؛ (۲)

در کاری که زیانش بر تو بیشتر از سود آن برای برادرت است، وارد نشو.

بدین سان، صرف مال برای تأمین نیازهای غیر ضروری دیگران، در صورتی که نیاز خود شخص به آن بیشتر است، تأیید نمی شود.

با وجود این، توجه به دو نکته لازم می نماید:

یک. چنان که اشاره شد، اولویت مصارف شخصی بر هزینه کردن برای

۱- نک: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۳۲.

دیگران در صورتی است که نیاز شخص بیش از دیگران و درآمد محدود وی تنها پاسخگوی نیازهای اساسی خودش باشد، ولی هنگامی که نیازهای ضروری اش در حد متعارف تأمین گردید، کمک به دیگران در قالب مواسات مالی و انفاق در راه خدا تأکید فراوان شده است، به ویژه در صورتی که نیاز دیگران بیشتر باشد.

دو. در شرایط دشوار و اضطراری که هم شخص به پول یا کالایی نیازمند است و هم دیگران، و نیاز هر دو در یک سطح می باشد، مسئله ایثار مطرح می گردد، بدین معنا که شایسته است فرد با وجود نیاز شخصی، نیازمند دیگر را بر خود پیش دارد و این، یکی از زیباترین جلوه های دینداری و انسانیت و نشانه تعالی شخصیت ایثارگر است و از این روست که قرآن کریم چنین افرادی را ستایش بسیار می کند. (۱) با این حال، فرد صرفاً از سهم خود حق ایثارگری دارد و نه از سهم خانواده اش. (۲)

بنابراین، تعیین و ترجیح اولویتها زمانی است که نیاز دیگران از نیاز خود فرد کمتر باشد یا آنکه هر دو بخواهند پول یا کالای خود را در امور غیر ضروری یا رفاهی صرف نمایند. بدین سان، تعارض ظاهری میان ادله تعیین اولویتها در مصرف با ادله ترجیح ایثار، برطرف می گردد.

۵. اصل ساده زیستی و قناعت

از ارزشهای اخلاقی حاکم بر مصرف، اصل ساده زیستی و قناعت است.

قناعت به معنای اکتفا به اندک است. (۳) از نگاه روان شناختی، قناعت، خشنودی و رضایتمندی را برای شخص قانع به ارمغان می آورد، به گونه ای

۱- نک: حشر (۵۹)، آیه ۹؛ انسان (۷۶)، آیات ۵-۲۲.

۲- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۱۸.

۳- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۶۵۸.

که با وجود مصرف اندک، از زندگی لذت می برد، هرچند ثروتی نداشته باشد.

قناعت در کنار غنا و ثروت، از عواملی است که زندگی را گوارا می سازد،^(۱) با وجود این، ثروت بدون قناعت گوارایی زندگی را نخواهد چشاند؛ جامعه مصرف گرایی که قناعت پیشه نیست، رضایت خاطر شهروندان خود را برآورده نمی سازد.^(۲) از همین روست که از منظر آموزه های روایی، زندگی پاک و حیات طیبه بشری، حیاتی است که روح قناعت در آن دمیده شده باشد.^(۳)

قناعت، مفاسد ناشی از حرص و آز ثروت اندوزی را می کاهد و از زیانهای اقتصادی جلوگیری می کند و مخارج مازاد را در مشارکتهای اجتماعی - اقتصادی به کار می بندد.

با وجود این، قناعت با اصل اعتدال ناسازگار نیست؛ زیرا قناعت آن است که در محدوده اعتدال، به مصرف کمتر بسنده شود و افراط و تفریطی رخ ندهد. این مطلب، از جمع میان ادله اعتدال و ادله قناعت دریافت می شود، ولی پرسش اینجاست که آیا ساده زیستی سخت گیرانه برخی معصومان علیهم السلام، خروج از محدوده اعتدال نیست؟ نگاهی به زندگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، چنین پرسشی را پیش می دارد، اما باید گفت که در وهله نخست، ساده زیستی رهبران حکومت، امری است بایسته و شایسته تا بدین سان درد و رنج محرومیت تنگدستان و فقیران، تسلی یابد؛^(۴)

۱- برای روایت نك: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۳.

۲- در این باره نك: آلن درننگ، چقدر کافیت؟، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، صص ۲۳-۳۱.

۳- نك: نهج البلاغه، حکمت ۲۲۱.

۴- نك: نهج البلاغه، نامه ۴۵.

از دیگر سو، شرایط سخت اقتصادی آن زمان، در نوع زندگی ائمه علیهم السلام بی تأثیر نبوده است. (۱)

۶. اصل الگوپذیری از بیگانگان

از اصول تأکیدشده مصرف در آموزه های دینی، پرهیز از الگو قرار دادن بیگانگان و به ویژه دشمنان جامعه اسلامی در مصرف است. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«... أوحى الله إلى نبي من الأنبياء أن قل لقومك: لا يلبسوا لباس أعدائي ولا يطعموا طعام أعدائي ولا يشاكلوا بمشاكل أعدائي، فيكونوا أعدائي كما هم أعدائي»؛ (۲)

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت، به سان آنان دشمن من خواهند بود.

الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می رساند؛ از جنبه اقتصادی، این کار، بیشتر موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، بر تولید و اقتصاد ملی نیز ضربه می زند.

از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالتهای فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می رود، به ویژه آنکه الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به این نکته می فرمایند:

۱- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

۲- . محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۲.

«لایشبه الزی بالزی حتی یشبه الخلق بالخلق و من شبّه بقوم فهو منهم»؛^(۱)

شکلها [و مُیدهای مصرفی] به یکدیگر همانند نمی گردد، جز آنکه خُلق و خواها به هم نزدیک شود و هر کس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می رود.

۷. اصل انفاق مازاد در آمد

انفاق مازاد در آمد در راه خدا، یکی از اصول و ارزشهای اسلامی حاکم بر مصرف است. نتیجه بسیاری از اصول یادشده، زمینه را برای انفاق فراهم می سازد. برای نمونه، رعایت حد میانه و پرهیز از زیاده روی در مصرف، در کنار روحیه قناعت و ساده زیستی، صرفه جویی در مصرف کالاها و امکانات را موجب می گردد و زمینه مشارکت بیشتر در انفاق مالی را مهیا می کند.

نکته دیگر آنکه در بینش اسلامی، هزینه کردن مازاد در آمد در کارهای خیر و به ویژه کمک به محرومان، به نوعی در قالب اصل «نیاز» قرار می گیرد؛ زیرا نیازهای انسان، گاه فعلی و دنیوی است و گاه در آینده و اخروی، و پاداش انفاق در راه خدا از نیازهای اخروی به شمار می رود. ضمن آنکه انفاق، در عین حال که گونه ای از مصرف است، توزیع مجدد امکانات به نفع محرومان نیز می باشد.

انفاق مالی، جایگاه ممتازی در مکتب اقتصادی و اخلاقی اسلام دارد به طوری که در قرآن کریم، بیش از ۱۹۰ آیه (حدود ۳٪ کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته است. در این آیات و نیز روایات مربوط، با شیوه های گوناگونی به اهمیت و ترغیب توانگران به این امر، اشاره شده است، از جمله اینکه انفاق از ارکان و نشانه های راستی ایمان دانسته شده^(۲) و

۱- ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی همدانی، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، ج ۵، صص ۱۶۲ و

۱۶۸. نیز نک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۲۸۷.

۲- نک: انفال (۸)، آیات ۳-۴؛ حجرات (۴۹)، آیه ۱۵.

هم ردیف نماز (۱) و جهاد با جان (۲) و نشانه متقین (۳) و گردنه ای در مسیر تکامل؛ (۴) نیز سودایی مقدس که خداوند خریدار است و مؤمن فروشنده و بهشت بهای آن. (۵) همچنین آثار انفاق در ابعاد فردی (همچون فقرزدایی، طول عمر، (۶) دفع بلاها (۷) و برکت در مال (۸)) و اجتماعی (مانند دادگستری (۹) و جلوگیری از نابودی جامعه (۱۰)) و نیز پادشاهی بزرگ اخروی (۱۱) تبیین گردیده است.

آسیبهای مصرف

اشاره

اصلاح الگوی مصرف نیازمند رفع آسیبهای همچون زیاده روی و اسراف و تبذیر و نیز مصرف زدگی و پرداختن بیش از حد به تجملات است. بنابراین، سزای آن است که بحث اسراف و مصرف زدگی را - با تفصیلی فزون تر - مطرح نماییم.

۱. نفی اسراف و تبذیر

اشاره

یکی از آسیبهای مهم مصرف، اسراف و زیاده روی است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی چه در بعد اقتصادی و چه در بعد اخلاقی و ارزشی بر جای می گذارد. از این رو، شایسته است ابعاد گوناگون این مسئله را با تفصیلی

۱- . نک: بقره (۲)، آیه ۳.

۲- . نک: بقره (۲)، آیات ۱۹۳ و ۱۹۵؛ توبه (۹)، آیه ۴۱.

۳- . نک: آل عمران (۳)، آیات ۱۳۳-۱۳۴.

۴- . نک: بلد (۹۰)، آیات ۱۱-۱۴.

۵- . نک: توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

۶- . برای روایات نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۲.

۷- . نک: همان، ص ۶.

۸- . نک: همان، صص ۹-۱۰.

۹- . نک: همو، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۷.

۱۰- . نک: بقره (۲)، آیه ۱۹۵.

۱۱- . نک: انفال (۸)، آیات ۳-۴.

بیشتر بررسی کنیم.

مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن دو

واژه «اسراف» در اصل به معنای «تجاوز از حد وسط»^(۱) است. در قرآن کریم نیز «سیرف» تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می دهد، گرچه [کاربرد آن] در انفاق [و خرج کردن مال] مشهورتر است.^(۲) راغب اصفهانی اسراف را از حیث کمی و کیفی تقسیم می کند و اسراف کیفی را هرگونه صرف مال در نافرمانی خداوند می داند، هرچند مقدار آن اندک باشد.^(۳) با وجود این، می توان گفت که هزینه کردن یا بهره برداری از مال در راه معصیت که برخی آن را معنای دومی برای اسراف در قرآن دانسته اند،^(۴) در واقع بازگشت به معنای نخستین دارد.^(۵)

واژه «تبذیر» نیز در اصل به معنای «پراکنده ساختن و جدا کردن چیزی» است که از «پاشیدن بذر در زمین» گرفته شده است.^(۶) و سپس به معنای نابود کردن و هدر دادن مال^(۷) و به تعبیر عامیانه، «ریخت و پاش» به کار رفته است.

بر این اساس، اسراف با تبذیر معنای نزدیکی دارد؛ با این تفاوت که اسراف بیشتر در زیاده روی در مصرف به کار می رود و حتی ممکن است در ظاهر، چیزی هدر نشود، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن می باشد و کاربرد آن، هنگامی است که امکانات، بیهوده نابود گردد. برای نمونه: اگر کسی

۱- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۴۸.

۲- راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۰۷.

۳- همان.

۴- نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، صص ۱۴۸؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۹.

۵- نک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، صص ۵۰۳-۵۰۴.

۶- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۲۱۶؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۱۳.

۷- نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۰؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۱۴.

هنگام صرف غذا و پس از آنکه به مقدار کافی غذا میل کرده، باقی مانده آن را به زور بخورد، «اسراف» کرده است و اگر آن را دور ریزد، «تبذیر» نموده است. البته این دو در روایات، گاه در یک معنا به کار رفته اند. (۱)

معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر

اشاره

تشخیص تبذیر با توجه به مفهوم آن دشوار نیست، زیرا هرگونه هدر دادن و اتلاف ثروت و کالا، تبذیر به شمار می رود، ولی اسراف چنان که گفته شد، به معنای تجاوز از حد و گذر از میانه روی به افراط گرایی است. حال، پرسش اساسی آن است که «حد» معتبر در اسراف، چگونه و با چه ملاکی تعیین می گردد. از مجموع آموزه های دینی چنین برمی آید که با دو ملاک کلی موضوع و مصداق اسراف را می توان شناخت:

الف) ملاک شرعی

از نگاه قرآن و روایات، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی است و هرگونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آن، خروج از حد است و ممنوع می باشد؛ (۲) بنابراین ترک واجبات، گناهکاری و تغییر در احکام الهی، از مصادیق اسراف به شمار می رود.

کاربرد قرآنی این واژه در معنای یادشده، بسیار فراوان است. برای نمونه آیات زیر را یاد می آوریم:

((رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا...)): (۳) «پروردگارا، گناهان ما و

- ۱- نک: محمدعلی انصاری، دراسی حول الاسراف فی الکتاب و السنّه، ص ۱۹؛ نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۳۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.
- ۲- نک: بقره (۲)، آیات ۱۸۷، ۲۲۹ و ۲۳۰؛ نساء (۴)، آیه ۱۳؛ توبه (۹)، آیه ۹۷. نیز: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، صص ۵۹ و ۴۹۸.
- ۳- آل عمران (۳)، بخشی از آیه ۱۴۷.

زیاده روی ما در کارمان را بر ما ببخش».

((قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ)): (۱) «بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا نومید مشوید».

((وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ)): (۲) «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس [او] نباید در قتل، زیاده روی کند».

اسراف در قتل یعنی قصاص فرد یا افرادی غیر از قاتل، (۳) که خود، تجاوز از حد الهی قصاص است. بنابراین، مصرف هرگونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است و از همین رو، برخی مفسران، «لاتسرفوا» را به مصرف مال حرام هرچند به مقدار اندک، تفسیر کرده اند (۴) که البته تفسیر به مصداق به شمار می رود.

(ب) ملاک عرفی

ملاک دیگر در موضوع شناسی اسراف، عرف می باشد. تشخیص موضوعات احکام، بیشتر بر عهده عرف و مکلف نهاده شده است و در عین حال برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، معیارهایی ارائه شده است.

پیش از بررسی معیارهای یادشده، شایان ذکر است که بر اساس پاره ای روایات، اسراف در امور مالی (به مفهوم تجاوز از حد وسط)، امری نسبی

۱- زممر (۳۹)، بخشی از آیه ۵۳.

۲- اسراء (۱۷)، بخشی از آیه ۳۳.

۳- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵- ۶، ص ۶۳۷، محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۸۸.

۴- اعراف (۷)، آیه ۳۱. نیز برای نگرش تفسیری نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۶۳۸.

شمرده شده است که نسبت به افراد و شرایط اقتصادی آنان، زمانها و مکانها، تغییر می یابد. به دیگر سخن، مصرف مقدار مشخصی از یک کالا ممکن است برای فردی اسراف به شمار آید و برای دیگری میانه روی. شاید روایتی که در پی می آید ناظر به همین نکته باشد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«فإنه رُبَّ فقير أسرف من غنى، فقلت: كيف يكون الفقير أسرف من الغنى؟ فقال: إن الغنى ينفق ممّا أوتى و الفقير ينفق من غير ما أوتى»؛ (۱)

چه بسا فقیری که اسراف کارتر از ثروتمند باشد. [راوی گوید:]: گفتیم: چگونه فقیر، اسراف کارتر از غنی است؟ فرمود: زیرا توانگر از آنچه دارد خرج می کند، ولی فقیر بدون دارا بودن مال، هزینه می نماید.

باری! فقیر ممکن است کالایی را بخرد که با توجه به درآمد محدودش، تعادل میان دخل و خرج وی بر هم خورد و در نگاه عرف، چنین کاری اسراف باشد، در حالی که برای توانگر، خرید همان کالا، انتقاد عرف را برنمی انگیزد.

اینک معیارهایی را که برای تشخیص عرفی اسراف ارائه گردیده است، بررسی می کنیم:

معیار اول: هدر دادن منابع و امکانات. هرگاه مصرف کالا به گونه ای باشد که بخشی از آن - هرچند اندک - بیهوده تضييع شود، اسراف خواهد بود، (۲) چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إن القصد أمرٌ يحبّه الله عزّوجلّ و إن السرف أمرٌ يبغضه الله حتّى طرحك النوى، فإنّها تصلح لشيء و حتّى صببك فضل شرابك»؛ (۳)

میانه روی چیزی است که خدای بزرگ و والا آن را دوست دارد و

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۵۶۲.

۲- . نک: محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ص ۲۲۲.

۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

اسراف را ناخوش، حتی دور انداختن هسته [خرما و میوه] را؛ زیرا آن نیز به کاری می آید و حتی دور ریختن مانده نوشیدنی ات را.

بر این اساس، تضييع كیفی کالا که با استفاده نادرست از آن است، گونه ای دیگر از اسراف می باشد. همان امام علیه السلام می فرمایند:

«... إثمًا السرف أن تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك»؛^(۱)

همانا اسراف آن است که لباس بیرون را [که با آن در اجتماع حاضر می شوی] لباس خانه ات قرار دهی.

بر پایه آنچه گذشت، دور ریختن مواد غذایی و پوشاک مصرفی یا نابودی آن بر اثر نگهداری نادرست، هدر دادن مواد اولیه و ضایعات فلزات و مواد پلاستیکی و حتی نابود کردن زباله های بازیافتی در عصر حاضر، از مصادیق اسراف به شمار می رود.

معیار دوم: زیانبار بودن. هرگاه مصرف کمی یا کیفی کالا برای بدن زیانبار باشد، گونه ای از اسراف است.^(۲) چنان که این مهم، از سخن امام صادق علیه السلام به روشنی برمی آید:

«ليس فيما أصلح البدن إسراف... إنما الإسراف فيما أفسد المال و أضّر بالبدن»؛^(۳)

در [مصرف] آنچه بدن را سالم نگاه می دارد اسراف نیست... بلکه اسراف در چیزی است که مال را تباه سازد و به بدن زیان رساند.

معیار سوم: مصرف بیش از حد نیاز. استفاده از امکانات مادی بیش از حد نیاز، یکی از معیارهای اسراف است. بحث نیازهای انسان و گستره آن در ادامه خواهد آمد، اما آنچه در اینجا مراد ماست تصرّفات است که گاه در امکانات مادی صورت می گیرد بی آنکه نیازی به آن باشد، مانند خوردن بیش

۱- همان، ج ۶، ص ۴۴۱.

۲- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۶۳۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

از اندازه نیاز یا ساختن منزلی بسیار وسیع که به همه آن هیچ گونه نیازی نیست. از این رو، روایات فراوانی در نکوهش زیاده روی در خوراک، وسایل زندگی و مسکن نقل شده است؛ همچنان که مفسران نیز یکی از مصادیق بارز اسراف در آیه ((... وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا...))^(۱) را مصرف بیش از حد نیاز دانسته اند؛^(۲) این سخن امیر مؤمنان علیه السلام نیز ناظر به همین معیار است:

«ما فوق الكفاف إسراف»؛^(۳)

بیش از اندازه کفاف، اسراف است.

معیار چهارم: مصرف فراتر از شان. مصرف کالاها و تصرف در امکانات مادی که بیش از شأن افراد است، اسراف می باشد،^(۴) ولی اینکه مراد از شأن در اینجا چیست و چگونه مشخص می شود در مباحث آینده بررسی خواهیم کرد. با این همه، برخی فرهنگ نویسندگان که با توجه به آموزه های قرآنی و روایی قلم زده اند، حدیث زیر را ناظر به همین معنا می دانند. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له و يشتري ما ليس له و يلبس ما ليس له»؛^(۵)

اسراف کار سه نشانه دارد: آنچه مال او نیست می خورد و آنچه مال او نیست می خرد و آنچه مال او نیست می پوشد.

گناه سنگین اسراف و تبذیر

نگاهی به آموزه های دینی درباره اسراف و تبذیر، تردیدی در حرمت آن

۱- اعراف (۷)، بخشی از آیه ۳۱.

۲- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۶۳۸.

۳- عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۹.

۴- نک: محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ص ۲۲۲؛ رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۸، ص ۳۸۵.

۵- نک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۹. نیز برای روایت نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۷.

باقی نمی گذارد. هرچند برخی آیات و روایاتی که اسراف را نهی و نکوهش کرده، عام و مطلق است، ولی بی تردید، اسراف مالی از مصادیق بارز آن به شمار می رود: ((وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)): (۱) «بخورید و بیاشامید و [لی] اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

((وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)): (۲) «و اسراف کاران، همدمان آتشند».

((وَ لَا تُبْذَرُ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا)): (۳) «و هرگز اسراف و تبذیر مکن، چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود!».

روایات نیز اسراف و تبذیر را از گناهان کبیره دانسته اند (۴) که علت این حکم، وجود آثار نامطلوب و پیامدهای بی شمار اسراف است که بعد از این خواهد آمد.

گستره اسراف و تبذیر

اشاره

بر اساس مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی - حدیثی اسراف و تبذیر، گستره آن دو بسیار فراگیر است و در عرصه اقتصادی، تمامی امکانات مادی و کالاهای مصرفی را در بر می گیرد. در این میان، اسراف و تبذیر آن دسته کالاهای اساسی و نیازمندیهای عمومی، به دلیل اهمیت یا بی توجهی عمومی به آن، به طور خاص در متون دینی نهی و نکوهش شده است.

با توجه به اهمیت فراوان این مسئله و نقش آن در تعیین الگوی مصرف، مصادیق مهم آن را بررسی می کنیم:

۱- اعراف (۷)، بخشی از آیه ۳۱.

۲- مؤمن (۴۰)، بخشی از آیه ۴۳. نیز نک: اسراء (۱۷)، آیات ۲۶ و ۲۷؛ مؤمن (۴۰)، آیات ۲۸ و ۳۴.

۳- اسراء (۱۷)، آیات ۲۶ و ۲۷.

۴- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۲۶۰-۲۶۲.

الف) اسراف در آب

الف) اسراف در آب (۱)

اهمیت حیاتی آب که منشأ زندگی و بقاست، (۲) بر کسی پوشیده نیست. امام صادق علیه السلام در تشبیهی زیبا می فرماید:

«طعم الماء طعم الحیا»؛ (۳)

مزه آب، مزه زندگی است.

از این رو، زیاده روی در مصرف آب و به ویژه هدر دادن آن - هرچند به مقدار اندک - نکوهش شده است. نیز امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أدنی الإسراف هراقی فضل الماء...»؛ (۴)

کمترین حد اسراف، دور ریختن ته مانده آب [ظرف] است.

از روایات دیگر برمی آید که اسراف آب حتی در امور عبادی همچون وضو و غسل - خواه با هدر دادن آب و خواه با زیاده روی در شستشوی اعضا - ممنوع می باشد، هرچند از آب رودخانه و آبهای کشاورزی باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار شخصی که وضو می گرفت گذر کرد و فرمود:

«ما هذا السرف؟ قال: أفی الوضوء سرف؟ قال نعم و إن كنت علی نهر جار»؛ (۵)

این اسراف برای چیست؟ [آن شخص] گفت: آیا در وضو [هم] اسراف هست؟ فرمود: آری، اگرچه کنار نهری جاری باشی.

کمبود آب، از چالشهای مهم هزاره سوم است. کشورهای بسیاری که با کمبود آب روبرو هستند، ناچارند بخشی از آب موجود در بخش کشاورزی را به

۱- از آنجا که در آموزه های دینی، واژه «اسراف» غالباً در مفهوم عامی به کار می رود که تبذیر را نیز در بر می گیرد - چنان که پیشتر اشاره شد- از تکرار واژه تبذیر خودداری می کنیم.

۲- نك: انبیاء (۲۱)، آیه ۳۰.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱.

۴- همان، ص ۴۶۰.

۵- احمد بن حنبل، المسند، ج ۲، ص ۲۲۱. نیز برای روایات شیعی در این باره نك: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام،

مصرف شرب برسانند و در نتیجه، مواد غذایی بیشتری وارد نمایند. این در حالی است که مصرف مفید آب، بسی بیش از مصرف کل آب است و مقدار زیادی از آن در مسیر انتقال و هنگام مصرف هدر می رود. روشن است که اصلاح سیستم توزیع و تعویض لوله های فرسوده، از هدر رفتن بخشی از آن جلوگیری می کند. با این حال، نقش مصرف کنندگان در این امر بسی مهم تر بوده و اصلاح الگوی مصرف توسط آنان می تواند از کمبود آب و مشکلات ناشی از آن همچون جیره بندی و قطع آب و نیز کمبود برق تولیدشده از نیروگاههای برق آبی و بروز خاموشی پیش گیری کند.

ب) اسراف در خوردن و سایر آشامیدنیها

اشاره

در آیات قرآن، با اشاره به حق آدمی در استفاده از غذا و آب، بر این نکته تأکید شده است که در این امر، اسراف و زیاده روی نشود: ((وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا)) (۱).

نهی از اسراف در این آیه - به مفهوم گسترده اش - شامل هر گونه زیاده روی در مصرف، پر خوری و هدر دادن مواد غذایی می شود. (۲) در روایات نیز پر خوری و اسراف در خوردن، در پیشگاه پروردگار نکوهیده است (۳) و رحمت الهی را از آدمی دور می سازد. (۴)

در رویکردی جامعه شناختی نیز اسراف جامعه، به معنای نادیده انگاشتن حق نیازمندان و تنگدستان است. (۵)

۱- اعراف (۷)، بخشی از آیه ۳۱: «بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده روی مکنید».

۲- نک: محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸۶؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۸، صص ۳۸۴-۳۸۵.

۳- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۹۸.

۴- نک: حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه کمره ای، ص ۳۷.

۵- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۲۹۷.

از مصادیق اسراف در خوردن و آشامیدن می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- پرخوری که منشأ بسیاری از بیماریها و مشکلات جسمی و روحی از جمله چاقی، بیماریهای قلبی، عروقی، بی حوصلگی و عدم کارایی مناسب نیز می گردد.
- کم دقتی و ریخت و پاشها هنگام صرف غذا و سر سفره که ناشی از پخت و سرو بیش از حد نیاز افراد است.
- سفره های رنگین توأم با ریخت و پاش زیاد و تهیه غذا بیشتر از حد مورد نیاز افراد حاضر، در کنار فقدان فرهنگ خودپذیرایی و سرو غذا توسط فرد به مقدار نیازش.
- سرو غذا برای کودکان به مقدار بزرگ سالان و دور ریختن اضافه آن.
- خرید میوه زیاد، ناتوانی در نگهداری آن و در نتیجه فاسد شدن و دور ریختن بخشی از آن.
- آماده کردن چای و سایر نوشیدنیها بیش از حد مورد نیاز، آن سان که به طور معمول، بخش قابل توجهی از آن دور ریخته می شود و انرژی فراوانی جهت به جوش آوردن مقدار زیادی آب هدر می رود.

اسراف در نان

در این میان، اسراف نان و استفاده نادرست از آن به گونه ای است که سوگمندان در کشور ما بر اساس آمار اعلام شده تا حدود سی درصد آن به ضایعات تبدیل می شود. با توجه به اینکه هم اکنون یارانه تعلق گرفته به نان در یک سال بیش از چهار هزار میلیارد تومان است، هر ساله حدود یک هزار و دویست میلیارد تومان تنها از سرمایه عمومی به ضایعات تبدیل می گردد و اگر فقط یک درصد از اسراف آن پرهیز گردد، حدود چهل میلیارد تومان از هدر رفتن منابع ملی جلوگیری می شود. بخشی از این

ضایعات به سبب پخت غیر اصولی است و بهبود کیفیت پخت نان و از جمله گسترش دادن تولید نان به صورت صنعتی در کاهش ضایعات مؤثر است. ولی به طور گسترده، نانهایی با کیفیت بالا نیز دور ریخته می شود که ناشی از خرید نان زیاد و بی ضابطه بودن در توزیع آن سر سفره، نگهداری نادرست و در نتیجه خشک یا فاسد شدن آنها و مانند آن است.

ج) اسراف در لباس

لباس، وسیله حفظ و مایه زینت و آراستگی آدمی است. (۱) با این حال، در آموزه های دینی بر میانه روی در استفاده از آن تأکید گشته و تجاوز از آن، اسراف دانسته شده است. (۲)

تردید نیست که حس تنوع طلبی و تمایل به شیک پوشی، آراستگی ظاهری و زیبایی، از امور غریزی آدمی است و در آموزه های اسلامی نیز مورد تأیید بلکه تشویق قرار گرفته است. برای نمونه امام صادق علیه السلام فرمودند: «بر تو باد که خویشتن را به بهترین شکل بیارایی...». (۳)

لیک آنچه مذموم است، پوشیدن لباسهای گران قیمت به قصد خودنمایی و جلب توجه، افراط در تنوع طلبی به شکل مدپرستی و استفاده از پوششهای تحریک کننده ای است که با هدف پوشش منافات دارد. نیک روشن است که این گونه رفتارها افزون بر هدر دادن منابع و سرمایه ها، وقت و انرژی فراوانی را نیز بیهوده از فرد می ستاند و خود، عامل ترویج بیشتر آنها می گردد آن سان که در سطح ملی، خسارات جبران ناپذیری را بر جامعه و توسعه و پیشرفت آن وارد می سازد.

۱- نک: اعراف (۷)، آیه ۲۶.

۲- نک: محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳.

۳- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰.

اسراف در لباس، گاه به چگونگی استفاده از آن نیز برمی گردد. شخصی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مؤمن می تواند ده پیراهن داشته باشد؟ فرمود: بله. گفتم: بیست عدد چطور؟ فرمود: بله. گفتم: سی تا؟ فرمود: بله، این اسراف نیست، اسراف آن است که لباس بیرون را لباس خانه قرار دهی. (۱)

روشن است که تعدد لباس مایه دوام بیشتر آن می گردد، ولی استفاده نابه جا از آن، نوعی اتلاف و مصداق اسراف می باشد.

د) اسراف در مسکن و احداث بنا

در نگاه قرآنی، احداث بناهایی که ثمره ای ندارد، عبث و نکوهیده است. (۲) مفهوم این گونه آیات، در آینه روایات با وضوح بیشتری بیان شده است.

در حدیثی چنین آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از گذرگاهی می گذشت. چشمش به بنایی افتاد که یکی از انصار ساخته بود. هنگامی که صاحب آن بنا نزد حضرت آمد و سلام کرد، ایشان صورت از او برگرداند... پس از آنکه وی علت بی اعتنایی حضرت را دریافت، برگشت و بنا را با خاک یکسان کرد. در پی این جریان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ لِكُلِّ بِنَاءٍ بَيْنِي وَبِالِ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا لَبَدَّ مِنْهُ»؛ (۳)

بی تردید هر بنایی که ساخته شود، روز قیامت باری بر دوش صاحبش خواهد بود، مگر آنچه که گریزی از آن نیست [و نیاز وی می باشد].

نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبِالِ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۴)

۱- نک: همان، ج ۶، ص ۴۴۱.

۲- نک: شعراء (۲۶)، آیات ۱۲۸-۱۲۹.

۳- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۳۱۰.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱.

هر ساختمانی که بیشتر از حد کفایت [و نیاز] باشد، روز قیامت وبال صاحبش خواهد بود.

بر این اساس، ساختن بناهایی که از نظر کمی و کیفی به آن نیازی نیست و به تعبیر قرآن «عبث» است و هدف صحیحی ندارد، مصداق اسراف خواهد بود، ولی در صورتی که به مساحت وسیع ساختمان و منزل نیاز باشد و از آن استفاده گردد، نه تنها نکوهیده نیست که مطلوب نیز می باشد، از این رو، امیر مؤمنان علیه السلام با دیدن منزل وسیع یکی از اصحابش فرمود:

«ما كنت تصنع بسعی هذه الدار فی الدنيا و أنت إليها فی الآخرة كنت أحوج! و بلی إن شئت بلغت بها الآخرة تقری فیها الضیف و تصل فیها الرحم و تطلع منها الحقوق مطالعها...»؛^(۱)

این خانه بزرگ در دنیا به چه کارت می آید که در آخرت نیازت به آن بیشتر باشد! آری، اگر می خواهی که با آن به آخرت رسی، باید که در آن، میهمان را پذیرایی کنی و با خویشاوندانت بیوندی و حقوقی را که از آن خانه بر گردن داری، به مستحقانش رسانی....

ه (اسراف در وسائل زندگی

اشاره

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«... فراش للرجل و فراش لأهله و فراش لضيفه و فراش للشيطان»^(۲)

رختخوابی برای مرد و رختخوابی برای خانواده اش و رختخوابی برای میهمانش و رختخواب [اضافه] از آن شیطان می باشد.

در این روایت، رختخواب (فراش) نمونه ای است از وسایل زندگی که بایستی از نظر کمی و کیفی به گونه ای باشد که معیارهای اسراف بر آن صدق نکند. به خوبی روشن است که منظور از فراش چهارم در روایت، فراشی است که اعضای خانواده و میهمانان به آن نیاز ندارند. بنابراین،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۷۹.

محدودیت عددی خاصی مراد نیست بلکه باید تعداد هر کالایی، متناسب با نیاز افراد تهیه شود.

بی توجهی به بازیافت مواد

وسایل زندگی و برخی از مواد مصرفی، هنگام کهنه گی و فرسودگی و غیر قابل استفاده شدن نیز قابل بازیافت و تبدیل به مواد مفید می باشند. نیک روشن است که دور ریختن و قرار دادن آنها بین زباله های غیر قابل بازیافت، نوعی اسراف و هدر دادن منابع است. در روایات به این نکته اشاره شده است، از جمله سخن امام صادق علیه السلام که پیشتر گذشت:

خدای بزرگ... اسراف را ناخوش دارد، حتی دور انداختن هسته [خرما و میوه] را؛ زیرا آن نیز به کاری آید. (۱)

(و) اسراف در وسایل نقلیه

مَرَكَب و وسیله نقلیه نیز ممکن است از نظر کمیت و کیفیت مصداقی برای اسراف باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«... و یرکبوا قصداً... أتری الله ائمن رجلاً علی مال خول له أن یشتری فرساً بعشری آلاف درهم و یجزیه فرس بعشرین درهماً! ... و قال ((لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)) (۲)؛ (۳)

و [خداوند تجویز نمود که مردم] در حد میانه، از مَرَكَب استفاده کنند، ... آیا چنین می پنداری که خداوند، مالی را نزد مردی امانت می نهد و آنگاه به وی اجازه می دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسبی به بیست درهم او را کافی است... [مگر نه آن است که خود] فرمود: «اسراف مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

۲- اعراف (۷)، بخشی از آیه ۳۱.

۳- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳.

(ز) اسراف در هزینه های ازدواج

روایات، ازدواج و پیوند زناشویی را امری الهی دانسته اند که تعادل و میانه روی در آن سفارش شده و تجاوز از آن حرام گشته است. (۱)

حرمت اسراف، تمام هزینه های بیهوده ازدواج را در بر می گیرد. اسراف در هزینه های ازدواج دارای ابعاد گوناگونی است:

نخست: سنگین گرفتن مهریه ها و از حد گذشتن در این باره. درباره مقدار مهریه، با اینکه طبق ظاهر برخی آیات (۲) و نظر مشهور فقیهان (۳) در افزایش آن محدودیتی نیست، ولی کم بودن مقدار آن، سفارش بسیار شده است. (۴) به ویژه تأکید می شود که از مهر السنّه پیامبر اکرم (یعنی مقدار پانصد درهم یا پنجاه دینار) (۵) که برای همسران و دختران خود قرار می داد) فراتر نرود. (۶)

مهریه های سنگین با توجه به اینکه تعهدی بر دوش مرد و دینی بر ذمه اوست، می تواند موجب بی رغبتی جوانان به امر ازدواج و در نتیجه بروز مشکلات متعدد فردی و اجتماعی و یا تن دادن به آن و قبول عواقب آن گردد و نفرت و دشمنی را در جامعه موجب شود، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام

۱- همان.

۲- نک: نساء (۴)، آیه ۲۰؛ قصص (۲۸)، آیات ۲۷-۲۸.

۳- نک: حسن بن یوسف حلّی، مختلف الشیعه، ص ۱۲۹؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴۷.

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله کم بودن مقدار مهر را از ویژگیهای بهترین زنان امت می دانند (نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴).

۵- از آنجا که هر دینار برابر یک مثقال شرعی و هر مثقال شرعی معادل ۶/۳ گرم است، بنابراین، ۵۰ دینار در حدود ۱۸۰ گرم طلا می باشد (نک: احمد فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری، صص ۱۹۴ و ۳۶۸).

۶- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، صص ۵-۱۲، ۱۹ و ۲۰. نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، صص ۳۷۷ و ۳۷۸.

می فرمایند:

«لاتغالوا بمهور النساء فتكون عداوی»؛^(۱)

مهریه ها را بالا نگیرید که موجب دشمنی می گردد.

دوم: زیاده روی در تهیه لوازم زندگی (جهیزیه) و به ویژه مطالبه کالاهای لوکس و تجملاتی یا وسایلی که در درجه نخست از اهمیت قرار نمی گیرند و از جمله افراط در مطالبه یا خرید زیورآلات که بیشتر ناشی از حس هم چشمی و رقابت یا خودنمایی و فخرفروشی است. چنان که گاه عروس و داماد، وضعیت خود را با شرایط فعلی زندگی پدر و مادر خود مقایسه می کنند و تمام امکانات موجود آنان را خواستارند.

ح) اسراف در حاملهای انرژی

اشاره

امام کاظم علیه السلام به نقل از حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«خمس تذهب ضیاعاً: سراج تقده فی الشمس... و الضوء لایتفیع به»؛^(۲)

پنج چیز ضایع می گردد: چراغی که آن را در [نور] خورشید برافروزی... و نور که از آن استفاده نشود.

این گونه روایات، در واقع معیارهای اسراف را بر استفاده نابه جا از نور و چراغ تطبیق داده است و بدین سان، هرگونه مصرف نادرست از انرژی و یا هدر دادن آن - که چراغ و نور هم نمونه ای از آن است - اسراف به شمار می آید.

نفت و گاز، سرمایه های ملی

نیک روشن است که نفت و گاز سرمایه ای ملی و در واقع امانتی به دست ماست که باید با مصرف بهینه و حفظ ذخایر آن تا حد امکان، آن را به نسلهای بعد تحویل دهیم.

۱- . نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱.

۲- . محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۸۵.

ط) اسراف در برگزاری مجالس و محافل

سوگمندان اسراف و ریخت و پاش در بسیاری از مجالس، به فرهنگ غلطی تبدیل شده که گاه آن را به اشتباه نشانه سخاوتمندی، عامل کسب پایگاه اجتماعی و آبرو می‌پندارند. از دیدگاه آموزه های دینی، اصل برپایی مجالس و «ولیمه دادن» در موارد ازدواج، بازگشت از حج، ولادت فرزند، خرید منزل و ختنه کردن فرزند سفارش شده و کار پسندیده ای به شمار می‌رود. (۱) چنان که به طور کلی دعوت از دیگران به ویژه خویشان و دوستان و اطعام آنان، همواره فضیلتی بزرگ می‌باشد. (۲) با این حال، وجود سنت غلط ریخت و پاش و تجملات در این گونه مجالس و صرف هزینه های بی جا، افزون بر پی آمدهای منفی اقتصادی و معنوی، خود به مانعی بر سر راه برگزاری مجالس یا تن دادن به مشکلاتی بی شمار برای برپایی آنها تبدیل شده است: هزینه های سرسام آور در مجالس عروسی که گاه به مدد دریافت وامهای سنگین و کمرشکن و صرفاً به انگیزه هم چشمی، خودنمایی و احیای فرهنگ غلط یادشده صورت می‌گیرد و یکی از مشکلات جدی بر سر راه ازدواج جوانان تلقی می‌گردد، هزینه های بالای مراسم سفرهای معنوی همچون بازگشت حاجی که گاه چندین برابر هزینه سفر را به خود اختصاص می‌دهد، خرجهای هنگفت در محافل عزا به ویژه هزینه های بی مصرفی همچون خرید تاج گل‌های گران قیمت و بزرگ و نوشتن پارچه عزا در تیراژ فراوان و هزینه های زائد در برگزاری همایشها و نشستها از بیت المال.

این در حالی است که آموزه های اسلامی به شدت از اسراف در همه زمینه ها و از جمله برگزاری مجالس بر حذر داشته اند و از بر پا نمودن

۱- نک: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، صص ۲۰۰-۲۰۳.

هرگونه محفل زائیدی به انگیزه ریاکاری و خودنمایی منع نموده اند. برای نمونه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است:

«من أطلع طعاماً رياءً و سمعی أطمعه الله مثله من صدید جهنم و جعل ذلك الطعام ناراً فی بطنه حتی یقضی بین الناس»؛^(۱)

هر که از سر ریا و خودنمایی اطعام نماید، خداوند مانند همان را از غذای چرکین جهنم به او بخوراند و آن طعام را به صورت آتشی در درون وی قرار دهد تا اینکه میان مردم داوری نماید.

نیک روشن است تا زمانی که فرهنگ غلط یادشده رایج باشد، حرکت رو به رشد اسراف کاریها و ریخت و پاشها در مجالس ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین، ایجاد حرکت فرهنگی بزرگی جهت تغییر آن و نهادینه سازی فرهنگ الگوی مصرف ضرورت دارد. به دیگر سخن، اگر عموم مردم به صاحبان این گونه مجالس، به چشم افرادی خودنما، دهن بین، اسراف کار و فخر فروش نگاه کنند و عملکرد آنان را مخالف با فرمان عقل و وحی ببینند - و نه سخاوتمند و دست و دل باز - می توان انتظار داشت که این معضل نابود یا دست کم از شدت آن کاسته شود.

(ی) اسراف از اموال عمومی و بیت المال

از بدترین انواع اسراف، تضييع اموال عمومی و هدر دان سرمایه های متعلق به بیت المال است؛ زیرا علاوه بر گناه اسراف و پی آمدهای اقتصادی منفی آن، تضييع حقوق همه مردم بوده و آدمی را مدیون همه افراد جامعه خواهد کرد. روشن است که حفظ و پاسداری از بیت المال، هم وظیفه مسئولان دستگاههای حکومتی، مدیران و کارمندان است و هم بر عهده عموم مردم. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به کارگزاران خویش فرمود:

«أدقوا أفلانکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عني فضولکم و

۱- نک: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال، ص ۲۸۶.

اقصدوا قصد المعانی و إياکم و الإکتار، فإن أموال المسلمین لا تحتمل الإضرار»؛^(۱)

نوڪ قلمهائیتان را ریز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، کلمات زائد را [در نوشتن گزارش] برای من حذف کنید و مفهوم اصلی را بیان نمایید، از زیاد نوشتن بپرهیزید؛ چرا که اموال مسلمانان یارای ضرر ندارد.

اگر به فرموده امام علیه السلام اموال بیت المال، یارای تحمل زیانی در حد درشت نویسی و زیادنویسی گزارشات و محاسبات را ندارد، در موارد مشابه و اموال و سرمایه های فزون تر، دقت و سخت گیری فراوانی باید صورت گیرد.

چاپ نشریاتی با تیراژ بالا و گاه با ورقهای گران قیمت که بیشتر جنبه تبلیغی - و نه اطلاع رسانی شفاف - دارد، سهل انگاری در به کارگیری تجهیزات اداری و آسیب رساندن به آنها، بی دقتی در استفاده از خودروهای دولتی و گاه استفاده شخصی غیر مجاز از آنها و استفاده نادرست از اموال عمومی، از مصادیق اسراف در بیت المال است.

دستگاههای دولتی نیز باید با وضع مقررات شفاف و نظارت دقیق و نیز دقت در گزینش افراد متعهد و دلسوز برای ایفای مسئولیتها به ویژه در امور مالی، از تضييع بیت المال و سپردن آن به دست اشخاص نالایق جلوگیری کنند. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره به مالک اشتر چنین فرمان می دهند:

در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار... کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا... انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان بهتر، آبرویشان محفوظ تر، طمع ورزی شان کمتر و آینده نگری آنان فزون تر است.^(۲)

۱- . همو، الخصال، ص ۳۱.

۲- . نک: نهج البلاغه، نامه ۵۳.

در بین برخی از مردم نیز گاه دلسوزی و دقتی که در حفظ اموال و وسایل خودشان دیده می شود، در حفظ بیت المال و اموال عمومی مشاهده نمی گردد. برای نمونه: آسیب رساندن به وسایل نقلیه عمومی همچون قطارها و اتوبوسهای شرکت واحد (شکستن وسایل و پاره کردن روکش صندلیها) بی دقتی در استفاده از تلفنهای عمومی، ثبت خاطره و یادگاری بر در و دیوار مکانها و وسایل عمومی، نگهداری نادرست از اسکناس، مچاله نمودن و ثبت اطلاعات بر روی آن (به ویژه با توجه به سرانه بالا، عمر پایین و هزینه میلیاردی چاپ اسکناس)، همگی از مصادیق مصرف نادرست و تضييع سرمايه های ملی به شمار می روند. نیک روشن است که زیان این گونه رفتارها به همه مردم برمی گردد. بنابراین، همگی باید در فرهنگ سازی مصرف بهینه و اصلاح شیوه استفاده از وسایل و اموال عمومی کوشا و سهیم باشیم.

(یا) استفاده غیر بهینه از زمان

اتلاف وقت و استفاده نادرست از فرصتها، از مهم ترین مصادیق اسراف است که با مصرف نادرست کالاها و اموال، رابطه ای دوسویه دارد؛ زیرا از یک سو، کم کاری و بی نظمی افراد در قبال مراجعات و کارهای ارباب رجوع و تأخیر انداختن کارهای آنان، موجب مراجعات مکرر و صرف هزینه های مختلف مادی می گردد و از سوی دیگر، استفاده نکردن مردم از امکانات دولت الکترونیک (برای پرداخت قبوض و مانند آن) که گاه به دلیل ضعف ساختاری موجود در آنها نیز هست، ناکارآمدی سیستم حمل و نقل عمومی متناسب با هر شهر و استقبال کم مردم از آنها و در مجموع، عدم رعایت الگوی مصرف از امکانات عمومی، خود موجب اتلاف وقت گسترده ای از تک تک افراد می شود.

بنابراین، مدیریت ناکارآمد زمان، هم علت تضييع اموال و هدر دادن امکانات قرار می‌گیرد و هم معلول آن. ضمن آنکه بی‌تردید وقت برای آدمی بیش از امکانات مادی ارزشمند است؛ چرا که قابل بازیافت و تولید مجدد نیست. از این رو در آموزه های دینی بر استفاده صحیح از فرصتها سخت تأکید شده است. برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به عمر خود بخیل تر باش تا به درهم و دینارت...» (۱).

همچنین، در مورد ارزش نهادن به وقت مردم و رسیدگی به موقع به کارهای آنان، امیر مؤمنان علیه السلام

خطاب به مالک اشتر و در واقع خطاب به همه مسئولان و متصدیان امر می‌فرماید:

از وظایف توست که نیازهای مردم را همان روز مراجعه شان برآوری و با امروز و فردا کردن، سرگردانشان نکنی. (۲).

جمع بندی

در پایان این مجال، بایسته است به روایات و آیات مربوط به اسراف، نگاهی کلی بیفکنیم.

برخی روایات، پوشیدن لباسهای فاخر، زیبا و گران بها را سفارش و تشویق کرده است، (۳) در حالی که روایاتی دیگر، با تأکید بر میانه روی، هرگونه زیاده روی را در این باره نکوهیده است. (۴).

میان این دو دسته روایات تناقضی نیست؛ زیرا روایات دسته دوم، محدوده روایات دسته نخست را مشخص می‌سازد.

از مجموع این گونه آیات و روایات چنین برمی‌آید که اسراف، گاه به

۱- . نك: محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۵۲۷.

۲- . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- . نك: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، صص ۳۴۰-۳۵۲.

۴- . نك: محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳.

دلیل زیاده روی در مصرف کالا است و گاه به دلیل کیفیت فراتر از حد متعارف آن. با وجود این، درباره مرغوبیت کالای مصرفی و کیفیت بالای آن، روایاتی وارد شده است، (۱) از این رو، برخی فقیهان، (۲) روایت «لیس فی الطعام سرف» (۳) را بر بالا بودن کیفیت و مرغوبیت آن حمل کرده اند، ولی این قید را نیز به درستی افزوده اند که کیفیت بالا نباید از حد متعارف به در شود و گونه ای از اسراف تلقی گردد. (۴)

نکته پایانی آن است که موضوع اسراف، به هیچ روی، استثنای پذیر نیست و حتی هزینه کردن مال در کارهای خیر نیز باید متعادل باشد و از حد میانه خارج نشود. (۵)

با وجود این، در برخی شرایط، می توان از حد میانه فراتر رفت و اعتدال را رعایت نکرد، از جمله ایشار در شرایط دشوار اقتصادی. (۶)

همچنین از منظر آموزه های دینی، حد میانه روی در انفاق و کمک به فقیران، متفاوت با نظر عموم مردم بوده و انفاق زیاد پسندیده است هر چند از دید عرف، نکوهیده باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«أما الصدق فجهدك جهدك حتى يقال: قد أسرفت و لم تسرف...» (۷)

۱- در این باره نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، صص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، صص ۵۴۰-۵۴۴، ۵۹۷ و ۶۱۴.

۲- نک: محمد علی انصاری، الموسوعی الفقهی المیسره، ج ۳، ص ۲۰۱.

۳- برای روایت نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۴- نک: زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۴، ص ۱۵۱.

۵- برای آیات نک: انعام (۶)، آیه ۱۴۱؛ اسراء (۱۷)، آیه ۲۹. برای روایات نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، صص ۱۱ و ۳۲؛ ج ۵، ص ۶۷؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۱.

۶- برای آیات نک: انسان (۷۶)، آیات ۵-۲۲؛ حشر (۵۹)، آیه ۹. برای روایات نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۱۸.

۷- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۷۹.

اما صدقه، پس چندان در این راه بکوش که گفته شود: اسراف کردی، در حالی که تو زیاده روی نکرده ای.

زمینه ها و عوامل اسراف و تبذیر

اشاره

اسراف مالی و تبذیر، به ویژه هنگامی که به صورت رویه ای فردی و فرهنگی در جامعه درمی آید، متأثر از چندین عامل فردی و اجتماعی است که در آموزه های دینی به آن اشاره شده است. از عوامل و زمینه های مهم در بروز اسراف و تبذیر می توان از عوامل زیر یاد کرد:

الف) ناآگاهی

جهل و ناآگاهی، عامل بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری، از جمله اسراف و تبذیر است. ناآگاهی به موضوع و معیارهای اسراف سبب می شود بسیاری از افراد، ناخواسته گرفتار اسراف شوند و حتی برخی، تبذیر مالی را نوعی سخاوت پندارند و جلوگیری از اسراف را «بخل ورزی» نامند! همچنین بی اطلاعی از حکم و نیز ناآگاهی از پیامدهای فردی و اجتماعی و عواقب اخروی آن باعث می شود عده ای این مسئله را بی اهمیت انگارند و انگیزه ای برای دوری از آن نداشته باشند.

از این رو، امیر مؤمنان علیه السلام به طور کلی سرچشمه زیاده رویها و کوتاهیها را جهل و ناآگاهی آدمی می داند:

«لا یری الجاهل إلا مفراطاً أو مفراطاً»؛^(۱)

نادان شناخته نشود جز آنکه در کارها زیاده روی یا کوتاهی کند.

ب) هواپرستی

یکی از عوامل مهم اسراف و تبذیر، هواپرستی است. نفس آدمی در گرایش

به لذت‌های مادی، سیری ناپذیر است، از این رو هر گاه خواسته‌های نفس با آموزه‌های عقلانی و دینی مهار نگردد، از نظر روحی و روانی، سرچشمه غفلت از خدا و خلق می‌گردد و از نظر رفتاری، قویترین عاملی است که آدمی را به سوی زشتیها(۱) و زیاده‌رویها می‌کشاند و موجب بیگانگی او از همه اصول اخلاقی می‌گردد.

از این رو، قرآن کریم پیروی از هوای نفس را زمینه‌ساز افراط و زیاده‌روی می‌داند: ((وَ لَا تَطْغَمَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبُهُ عَن ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا)) (۲) «و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن».

ج) ثروت اندوزی و رفاه زدگی

مال و ثروت به طور طبیعی زمینه‌ساز رفاه زدگی و هواپرستی است،(۳) و با نپرداختن به اصلاح و تهذیب نفس و بی‌توجهی به دستورات عقل و دین، روحیه مصرف‌گرایی و رفاه زدگی و به تعبیر قرآن «اتراف» در آدمی به وجود می‌آید. بنابراین، ثروتمندی همراه با روحیه اشرافی‌گری از زمینه‌های مهم اسراف و تبذیر به شمار می‌رود. از همین رو، یکی از ویژگیهای بارز مُترَفان، زیاده‌روی در مصرف است.

این گونه است که قرآن کریم، گاه مترَفان را اصحاب دوزخ می‌داند و گاه مسرفان را: ((وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ... إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ)) (۴) «و یاران چپ، کدامند یاران چپ! ... اینان بودند که پیش از این، نازپروردگان بودند».

۱- . نک: یوسف (۱۲)، آیه ۵۳ .

۲- . کَهِف (۱۸)، آیه ۲۸ .

۳- . نک: عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۶۸ .

۴- . واقعه (۵۶)، آیات ۴۱ و ۴۵ .

((وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)): (۱) «و اسراف کاران، همدمان آتشند».

د) رذیلت‌های اخلاقی

منشأ دیگر بسیاری از انحرافات رفتاری و از جمله اسراف و تبذیر، فساد اخلاقی است. در این میان برخی رذیلت‌های اخلاقی، ارتباط مستقیمی با موضوع بحث دارد که از آن جمله است: خودبرتربینی، برتری جویی و خودنمایی. از این رو، در اسلام، هرگونه مصرفی که زائیده برتری جویی یا با هدف خودنمایی انجام پذیرد، نکوهش شده است؛ قرآن کریم در دو جا اسراف کاری فرعون را در کنار روحیه استکبارورزی و برتری جویی وی یاد می‌کند که خود، نشان از ارتباطی معنادار میان این دو دارد: ((وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ)): (۲) «و بی تردید فرعون در زمین، برتری جوست و هم او از اسراف کاران است».

روایات نیز، استفاده از امکانات مادی به قصد فخرفروشی و خودنمایی را زمینه ساز اسراف می‌داند و آن را نکوهیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«... و من لبس ثوباً فاختال فيه خسف الله به من شفیر جهنم...»؛ (۳)

هر کس جامه ای بپوشد و با آن فخرفروشی کند، خداوند او را از لبه دوزخ [به قعر آن] فرو خواهد برد.

نیز می‌فرماید:

«من بنی بنیاناً ریاءاً و سمعی حمله یوم القیامی... و هو نار تشتعل ثم

۱- مؤمن (۴۰)، بخشی از آیه ۴۳. نیز نک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۳۰.

۲- یونس (۱۰)، آیه ۸۳. نیز نک: دخان (۴۴)، آیه ۳۱. روشن است که «اسراف» در اینجا به مفهوم گسترده خود در معنای هرگونه تجاوز از حد و زیاده روی به کار رفته است که فرعون، مصداق بارز آن در ابعاد گوناگون می‌باشد (نک: عمر بن علی دمشقی، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۱۰، ص ۳۹۲).

۳- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.

تَطَوَّقْ فِي عُنُقِهِ وَ يَلْقَى فِي النَّارِ... قيل: يا رسول الله! كيف يبني رياءاً و سمعي؟ قال: يبني فضلاً على ما يكفيه، استطالی منه علی جیرانه و مباهای لإخوانه»؛(۱)

«هر کس برای خودنمایی و ستایش دیگران ساختمانی بسازد، روز قیامت در حالی آن را حمل خواهد کرد که چون آتشی شعله ور بر گردنش آویخته است و به آتش افکنده خواهد شد...». گفته شد: ای رسول خدا! چگونه آن را برای خودنمایی و ستایش جویی می سازد؟ فرمود: «فرا تر از حد نیاز می سازد تا بر همسایگانش برتری جوید و به برادرانش فخر فروشد».

ه (الکوپذیری از مسرفان

آدمی در ابعاد گوناگون زندگی و در خوی و منش اخلاقی و رفتاری خود، سخت تأثیرپذیر است. الگوها در شکل دهی شخصیت و رفتار آدمی تأثیر به سزایی دارد. در امور اقتصادی و به ویژه مصرف نیز تأثیرپذیری از دیگران و به ویژه هم چشمی با آنان از عوامل مهم اسراف و تبذیر به شمار می رود که این خود یکی از علل دستور به دوری از متکاثران و مترفان در اسلام می باشد.

قرآن کریم آشکارا دستور می دهد که هرگز از مسرفان پیروی نکنید: ((وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ)) (۲). روایات نیز از چشم دوختن به کسانی که از سطح زندگی بالاتری برخوردارند، نهی می کند و تأثیرپذیری از آنان را می نکوهد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِيَّاكَ أَنْ تَطْمَحَ بِصِرْكَ إِيَّيْ مِنْ فَوْقِكَ»؛(۳)

پرهیز از اینکه به بالاتر از خود [در امور مادی] چشم بدوزی.

۱- همان، صص ۱۱ و ۱۲.

۲- شعراء (۲۶)، بخشی از آیه ۱۵۱.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

(و) تولید و عرضه نادرست کالا

تولید کالاهای غیر استاندارد و گاه عرضه نادرست آن از دیگر عوامل اسراف و تبذیر در جامعه است که بیشتر ریشه در ضعف وجدان کاری و کوتاهی در انجام وظیفه یا نبود تخصیص لازم دارد. پیداست که بخشی از این گونه کالاها به دست مصرف کننده و ناخواسته دور ریخته می شود یا در جای خود، استفاده درست نمی شود. امام علی علیه السلام غلامان را به دلیل پخت نان با کیفیت پایین سرزنش می فرمود. (۱)

همچنین در آموزه های روایی، بر تولید کالا به گونه ای که کمترین ضایعات را داشته باشد، تأکید شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد اندازه نان را کوچک بگیرند تا ضایعات آن کمتر باشد. (۲)

به علاوه، عوامل دیگری همچون بی ایمانی، تربیت نادرست، وسواس و... نیز موجب بروز اسراف می گردد که برای جلوگیری از تطویل سخن، از پرداختن به آن خودداری می کنیم.

آسیبهای اسراف و تبذیر**اشاره**

اسراف و تبذیر، پیامدهای فراوانی در عرصه اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی دارد که به پیامدهای مهم آن از نگاه آموزه های دینی، اشاره می کنیم:

الف) نابودی سرمایه ها

بارزترین اثر نامطلوب اسراف و تبذیر، هدر دادن ثروتها و اتلاف منابع و امکانات مادی است. گرچه از نگاهی شخصی و محدود، اسراف در کالاهای اساسی همچون مواد غذایی و به ویژه نان و نیز منابع تجدیدناپذیر

۱- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۹.

۲- نک: همان، ص ۶۱۸؛ نیز: محمدعلی انصاری، درسی حول الاسراف فی الکتاب و السنّه، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

همچون نفت و فرآورده های آن، اندک و ناچیز پنداشته می شود، از زاویه بالا-تر و در سطح جامعه و جهان، خسارتهای سهمگینی به بار می آورد.

اثر مستقیم این پدیده، به ویژه بر جوامعی که درآمد و امکانات محدودی دارد، فقر و محرومیت است. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«من بَدَّرَ أَفْقَرَ اللَّهِ»؛^(۱)

هر کس [در اموالش] اسراف و تبذیر کند، خداوند وی را فقیر سازد.

نیز امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند:

«الْقَصْدُ مِثْرَايَ وَالسَّرْفُ مِثْرَايَ»؛^(۲)

میانه روی ثروت زاست و اسراف، نابودکننده.

بر اساس آموزه های دینی، اسراف و تبذیر از گناهایی است که نعمت را به نعمت فراوان به سر می بردند، ولی با اسراف و تبذیر در برده.

امام صادق علیه السلام داستان کسانی را یاد می کند که در رفاه و نعمت فراوان به سر می بردند، ولی با اسراف و تبذیر در مواد غذایی و استفاده نادرست از آن، به فرمان خدا گرفتار بلایای زمینی شدند و به مشقت افتادند. امام علیه السلام فرمود: «اینان، اهالی همان آبادی اند که خداوند در این آیه یاد فرموده است: ((وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ آمِنَهُمْ مُطْمَئِنَّةٌ يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ))»^(۳):^(۴) «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به ایشان چشانید».

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

۳- نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

۴- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، صص ۲۷۳ و ۲۷۴.

(ب) تضييع حقوق ديگران

اسراف و تبذير در بُعد اجتماعي، مایه تضييع حقوق ديگران می گردد. بر اساس مبانی اقتصاد اسلامي، منابع و امکانات مادی در زمین، از آن همه افراد بشر است و هر کس تنها در محدوده نیازهای متعارف خود حق بهره برداری از آن را دارد. بنابراین، هرگونه زیاده روی و اسراف گروهی، محرومیت گروهی دیگر را در پی دارد، از این رو، اسراف کار در واقع امکانات ديگران را مصرف می کند و تبذيرکننده، دارایی ديگران را از میان می برد. این سخن امير مؤمنان عليه السلام ممکن است ناظر به همین معنا باشد که فرمودند:

«للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له و يشتري ما ليس له و يلبس ما ليس له»؛^(۱)

اسراف کار سه نشانه دارد: آنچه را از او نیست می خورد و آنچه مال او نیست می خرد و آنچه مال او نیست می پوشد.

به عنوان نمونه، در سطح جهانی، آمار و ارقام نشان می دهد کشورهای صنعتی و پیشرفته که تنها ۳۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، بیش از نصف غلات جهان را مصرف می کنند، در صورتی که مصرف اضافی آنها که ۲۴ درصد است، می تواند یک میلیارد انسان را در سطح جهان تغذیه کند، این در حالی است که هر ساله مصرف غلات در کشورهای عقب مانده کاهش می یابد.^(۲) پی آمد این مسئله آن است که بیش از یک میلیارد نفر در کشورهای توسعه نیافته دچار سوء تغذیه هستند و نیمی

۱- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۷. نیز نک: محمدرضا حکیمی و ديگران، الحیای، ج ۴، ص ۲۳۷.

۲- نک: ژان - ایو - کارفانتان و شارل کندامین، چیرگی بر گرسنگی، ترجمه عباس آگاهی، صص ۲۴۴ - ۲۴۵؛ همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، صص ۵۲ و ۵۳؛ دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، پدیده شناسی فقر و توسعه، ج ۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

از آنان، به طور دایم در گرسنگی به سر می‌برند، به همین جهت تنها در سال ۱۹۸۱ م، حدود ۵۰ میلیون نفر در این کشورها جان سپرده‌اند که ۸۶ درصد آن، ناشی از سوء تغذیه بوده است (۱) و در صورت عدم پیش‌گیری، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ م، ۵۰۰ میلیون کودک، جان خود را بر اثر گرسنگی از دست بدهند. (۲)

ج) مفاسد اخلاقی و رفتاری

اسراف و تبذیر، از دو جهت سرچشمه و عامل مفاسدی اخلاقی و رفتاری است: نخست آنکه درآمد محدود بسیاری از افراد را کاهش می‌دهد. چنین اسراف کارانی برای تأمین هزینه‌های اسرافها و تبذیرهای خود، به رذیلت‌هایی اخلاقی همچون بخل و حرص یا مفاسدی اقتصادی مانند ربا، رشوه و اختلاس، آلوده می‌شوند؛ دوم اینکه اسراف و تبذیر، بیشتر همراه با مصرف‌گرایی و رفاه‌زدگی و غرق شدن در لذات مادی (اتراف) است که خود منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و حتی انحرافات عقیدتی می‌باشد.

افزون بر آن، اسراف کاری عده‌ای در جامعه، به طور طبیعی بر دیگران تأثیر می‌نهد و آنان را به این کار برمی‌انگیزد و در نتیجه، انحرافات اخلاقی و رفتاری جامعه افزوده می‌گردد. از این رو قرآن کریم، مسرفان را مفسدانی می‌داند که به هیچ‌روی از آنان رویکردی اصلاح‌گرایانه انتظار نمی‌رود: ((وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ)): (۳) «و فرمان اسراف‌کاران را پیروی نکنید؛ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند».

-
- ۱- . نک: ژان - ایو - کارفانتان، شارل کندامین، چیرگی بر گرسنگی، صص ۹۴ و ۹۵؛ دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۲، صص ۲۴۴ و ۲۴۸.
 - ۲- . ژان - ایو - کارفانتان، شارل کندامین، چیرگی بر گرسنگی، ص ۲۰.
 - ۳- . شعراء (۲۶)، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲.

(د) سقوط معنوی

اسراف و تبذیر، افزون بر زیانهای اقتصادی، سقوط معنوی و دور شدن آدمی از مقام قرب الهی را در پی دارد. محرومیت اسراف کاران و تبذیرکنندگان از دوستی و هدایت خدا، گمراهی و همسانی با شیاطین، از پیامدهایی است که قرآن کریم به آن تصریح نموده است. (۱)

در بیان قرآنی، تبذیرکنندگان، نعمتهای الهی را کفران می کنند و آن را از مسیر اصلی خود خارج می نمایند. اینان از آن روی «برادران شیاطین» (۲) دانسته شده اند که یا اعمالشان هماهنگ و هم ردیف کارهای شیاطین است و یا در دوزخ، قرین و همنشین شیطان خواهند بود. (۳)

راهبردهای مقابله با اسراف و تبذیر**اشاره**

مبارزه با اسراف مالی و تبذیر، جایگاه مهمی در فلسفه بعثت پیامبران داشته و از اهداف و برنامه های اصلی آنان به شمار می رفته است. قرآن کریم در آیات متعدد، برخورد قاطع و چاره اندیشانه پیامبران را با مظاهر اسراف و تبذیر گزارش می کند. (۴)

در آموزه های دینی و به ویژه در سیره و گفتار معصومان علیهم السلام، شیوه هایی برای درمان این پدیده دیده می شود که می توان به صورت زیر یاد آورد:

الف) تقویت باورها

یکی از شیوه های مهم در آموزه های دینی برای مقابله با مفساد اقتصادی و

۱- نک: انعام (۶)، آیه ۱۴۱؛ مؤمن (۴۰)، آیه ۲۸؛ اسراء (۱۷)، آیات ۲۶-۲۷.

۲- نک: اسراء (۱۷)، آیه ۲۷.

۳- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵- ۶، ص ۶۳۴؛ محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، تصحیح مصطفی حسین احمد، ج ۲، ص ۶۶۱؛ نیز: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۸.

۴- نک: شعراء (۲۶)، آیات ۱۲۸، ۱۲۹ و ۱۴۶-۱۵۲.

اخلاقی و تحکیم ارزشهای دینی افراد، تقویت باور آنان به مبدأ و معاد است که همچون ناظری درونی، اجرای دستورات الهی را تضمین می کند.

این شیوه، در بحث مقابله با اسراف و تبذیر و درمان آن به روشنی نمایان است. آیات مربوط به اسراف، با نهی و نکوهش اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و عذاب اخروی اسراف کاران را خاطرنشان می سازد.

افزون بر آن، باور به نظارت الهی از یک سو و سؤال از نعمتها در قیامت (۱) از سوی دیگر، در پیش گیری از زیاده روی در مصرف و اتلاف امکانات مادی تأثیر بسیاری دارد. این سخن هشدارگونه امیر مؤمنان علیه السلام نمونه ای از آموزه های روایی است که به پیامد اخروی اسراف و تبذیر می پردازد:

«ألا وإن إعطاء المال فی غیر حقّه تبذیر و إسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الآخرة و یکرمه فی الناس و یهینه عند الله»؛ (۲)

بدانید که بخشیدن نابه جای مال، تبذیر و اسراف است که قدر بخشنده را در دنیا بالا می برد و در آخرت پایین می آورد؛ او را در دیده مردمان گرامی می کند و نزد خدا خوار.

(ب) تثبیت ارزشهای اخلاقی

برخی آموزه های اخلاقی اسلام، در تقابل مستقیم با اسراف و تبذیر است و تحکیم و نهادینه ساختن آن در افراد، نوعی مقابله با این دو پدیده به شمار می رود.

ارزشهایی همچون زهد، قناعت، میانه روی و مانند آن از یک سو و ترغیب به مبارزه جدی با هواپرستی، خودنمایی، فخرفروشی و... از سوی دیگر، شیوه های روان درمانی اسراف و تبذیر است.

۱- برای نمونه نک: یونس (۱۰)، آیه ۶۱؛ حشر (۵۹)، آیه ۱۸؛ تکوین (۱۰۲)، آیه ۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

ج) افزایش آگاهیهای عمومی

گذشت که یکی از عوامل بروز اسراف و تبذیر، جهل و ناآگاهی است. بنابراین، اطلاع رسانی و آگاهیهای مناسب درباره موضوع و حکم این دو پدیده و نیز بازشناسی آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معنوی آن از منظر آموزه های دینی، در کاهش روحیه اسراف کاری تأثیر شایانی دارد.

د) نظارت همگانی

نظارت همگانی که در آموزه های دینی با تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر» یاد می شود، از کارآمدترین شیوه های تثبیت ارزشها و مقابله با مفاسد و انحرافات است.

کاربرد این شیوه برای مقابله با اسراف و تبذیر، در سیره معصومان علیهم السلام نمودی روشن دارد. درنگ در شیوه برخورد آنان با مظاهر اسراف و تبذیر در جامعه نشان می دهد که آنان گاه با نهی صریح و مستقیم و گاه با واکنشی اخلاقی و آکنده از ادب، نظارت خود را انجام می داده اند.

به دیگر سخن، نظارت بر این پدیده و برخورد با آن، بسته به افراد و شرایط، شیوه های خاص خود را می طلبد.

ه) تربیت خانوادگی

هرچند تربیت و نظارت در خانواده، خود از مصادیق نظارت همگانی است، به دلیل اهمیت و نیز نمود آن در سیره معصومان علیهم السلام، شایسته و بایسته درنگی ویژه است؛ زیرا شخصیت و روحیات آدمی، بیش از هر چیز معلول دوران کودکی و تأثیرپذیری از محیط خانه می باشد. (۱) شکی نیست که در خانواده ای که بزرگ سالان، خود اهل اسراف و تبذیر باشند و به این مسئله،

۱- . برای روایت در این باره نک: نهج البلاغه، نامه ۳۱.

هیچ گونه حساسیتی نشان ندهند، نمی توان انتظار پرورش فرزندان را داشت که از این انحراف رفتاری به دور باشند.

از این رو، معصومان علیه السلام با دیدن اسراف در خانواده، واکنش فوری نشان می دادند، چنان که در حدیثی چنین آمده که امام صادق علیه السلام میوه ای را دیدند که ناخورده بیرون از خانه انداخته شده بود. امام علیه السلام با ناراحتی فرمودند:

«ما هذا؟ إن كنتم شبعتم فإن كثيراً من الناس لم يشبعوا، فأطعموه من يحتاج إليه»؛^(۱)

این چیست؟ اگر شما خود سیر بودید، قطعاً بسیاری از مردم، سیر نیستند. آن را به کسی بخورانید که نیازمند است.

بر این اساس، آموزش الگوی مصرف مطلوب و پرهیز از اسراف و تبذیر باید از سنین کودکی آغاز گردد.

۲. اتراف (رفاه زدگی و مصرف گرایی)

اشاره

یکی از محدودیتهای مصرف در بینش اسلامی که از تمایزات اساسی مکتب اقتصادی اسلام با مکتب سرمایه داری است، ممنوعیت رفاه زدگی و مصرف گرایی مفرط در تأمین لذتهای مادی است که در قرآن کریم و روایات، با نام «اتراف» تعبیر می شود. قرآن کریم در آیات متعدد، به نکوهش اتراف و بیان ویژگیها و عواقب مترقان پرداخته و آن را عامل نابودی جوامع دانسته است.

چیستی اتراف

اتراف از واژه «ترَف» به معنای نعمت و برخورداری از آن به کار رفته است، و مُترَف به کسی گویند که نعمت فراوان و غرق شدن در شهوات و

۱- . نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵.

خوشگذرانیه‌ها، او را به غرور و سرکشی واداشته است. (۱)

کاربرد معنایی این واژه در قرآن کریم، بیانگر زندگی اشرافی، رفاه زدگی و لذت‌گرایی ثروتمندان است که همراه با غرور و طغیان می‌باشد. بنابراین، کاربرد آن ویژه ثروتمندان است و برای افراد کم‌درآمد، هرچند به سهم خود مصرف‌گرا باشند، به کار نرفته است. (۲)

با این توضیح، رابطه اتراف و اسراف مشخص می‌گردد، گرچه اتراف، همواره ملازم اسراف است ولی از یک سو در مفهوم اتراف، نوعی لذت‌گرایی و شهوت‌پرستی ناشی از ثروت زیاد نهفته است که عامل طغیان می‌باشد و از دیگر سو، اسراف مفهومی گسترده دارد که هرگونه زیاده‌روی در مصرف را در بر می‌گیرد، هرچند همراه با ثروت زیاد نیز نباشد.

بنابراین، ثروت زیاد، مصرف‌گرایی، رفاه زدگی و تجمل‌گرایی همراه با غرور و طغیان ناشی از آن و اختلاف فاحش طبقاتی از معیارهای تشخیص اتراف است. یادکردنی است که در قرآن کریم، واژه‌های دیگری نیز برای اشاره به زندگی اترافی و مترفان به کار رفته است، از جمله واژه «بَطْر» که به معنای «طغیان و سرمستی بر اثر فزونی نعمت» (۳) است و نیز واژه «ملاً» که به معنای جمعیت چشمگیر و بیشتر ثروتمند است. (۴)

ویژگیهای مترفان

اشاره

مترفان دارای صفات و ویژگیهایی اند که در زیر به برخی اشاره می‌کنیم:

- ۱- نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۶۶.
- ۲- نک: محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیای، ج ۳، ص ۳۱۲؛ محمدتقی مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۴، ص ۴۱۸.
- ۳- برای آیه نک: قصص (۲۸)، آیه ۵۸. نیز برای واژه شناسی نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، صص ۶۸ و ۶۹؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۶۱.
- ۴- نک: راغب اصفهانی، المفردات، ص ۷۷۶.

الف) حق انکاری و مقابله با پیامبران و مصلحان اجتماعی

بارزترین شاخصه مترفان در قرآن، حق انکاری و مقابله با پیامبران است. به تصریح قرآن کریم، آنان همواره در صف اول مقابله با پیامبران قرار داشتند:

((وَ مِمَّا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِنْ قَالُوا مُتْرَفُوهُمْ إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ)): (۱) «و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده ای نفرستادیم جز آن که خوشگذرانان آن گفتند: ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم».

((وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِنْ قَالُوا مُتْرَفُوهُمْ إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ، ... إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ)): (۲) «و بدین گونه، در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و از پی ایشان گام می نهیم، ... ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم».

آنان آموزه های پیامبران و به ویژه آموزه هایی همچون رعایت حقوق دیگران، انفاق، نکوهش اسراف و تجمل گرایی را از یک سو مزاحم کامجوییها و هوسرانیهای خود می دیدند و از سوی دیگر، این آموزه ها را مدافع حقوق محرومانی می یافتند که با استثمار آنان، به ثروت و امکانات رسیده بودند و این، می توانست منافع نامشروع آنان را به خطر اندازد.

مهم تر از همه، هشدارها و زندهای پی در پی پیامبران به مجازات سخت مترفان در قیامت، آرامش روحی و روانی آنان را بر هم می زد و از این رو، در نخستین برخورد، اساس رسالت را انکار می نمودند و بر تکذیب معاد پای می فشردند: ((وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ اتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... أَيْعِدْكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَابًا وَ عِظَامًا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ، إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ

۱- سبأ (۳۴)، آیه ۳۴.

۲- زخرف (۴۳)، آیات ۲۳ و ۲۴.

بِمَبْعُوثِينَ)) (۱) «و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند: آیا [این مرد] به شما وعده می دهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید، [باز زنده از گور] بیرون آورده می شوید؟ چه دور است آنچه بدان وعده داده می شوید، جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست، می میریم و می زیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد».

ب) اسراف، غصب و تضییع حقوق

ویژگی بارز دیگر زندگی اترافی، اسراف و مصرف افراطی امکانات مادی است؛ (۲) امکاناتی که یا از راههای نامشروع و با غصب حقوق و استثمار دیگران به چنگ آورده شده (۳) و یا دست کم در مصرف اترافی و اسراف گونه مترفان، سهم گروهی از نیازمندان تضییع گشته است. (۴)

از منظر قرآن کریم، چنین کسانی ظالم و ستم پیشه اند و فرجام چنین ظلمی چیزی جز نابودی نیست. (۵)

ج) مصرف نمادین، خودنمایی و فخرفروشی

در فرهنگ مصرف گرایی مترفان، مصرف، هم ارزش مادی دارد و هم ارزش نمادین؛ بدین معنا که مصرف، وسیله ای می گردد برای ابراز وجود و به دست آوردن هویت اجتماعی، از این رو، نه تنها ارزش نمادین می یابد بلکه در برابر مصرف به معنای تأمین کننده نیازهای زیستی انسان قرار

۱- مؤمنون (۲۳)، آیات ۳۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۷. نیز نک: واقعه (۵۶)، آیات ۴۵-۴۸.

۲- نک: شعراء (۲۶)، آیات ۱۴۷-۱۵۲.

۳- نک: نساء (۴)، آیه ۱۶۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰.

۵- نک: انبیاء (۲۱)، آیات ۱۲-۱۵.

می گیرد و اولویت می یابد. (۱) آنان تلاش می کنند با خرید و مصرف کالاهای لوکس و تجملاتی، مدپرستی و ریخت و پاش، به پندار خود پایگاه اجتماعی و آبروی فزون تری به دست آرند و در حقیقت به خودنمایی و فخرفروشی می پردازند.

د) بی توجهی به محرومان و خودداری از مشارکت در کارهای خیر

روشن است که زندگی اترافی، نیازمند ثروتی فراوان است تا پاسخ گوی اسرافها و مصرفهای افراطی مترفان باشد. از سوی دیگر، لذت جویی لجام گسیخته و تجمل گرایی در زندگی، روحیه مسئولیت پذیری و عواطف انسانی را سخت تضعیف یا نابود می سازد. در نتیجه، مترفان، نه توجهی به محرومان و نیازمندان خواهند داشت و نه مشارکتی در کارهای خیر.

از این رو، قرآن کریم، آنان را بازدارندگان کارهای خیر (۲) معرفی می کند و بی توجهی به یتیمان و مستمندان را ویژگی بارز آنها برمی شمارد. (۳)

عوامل اتراف

پیدایش و گسترش پدیده اتراف در فرد و جامعه، چندین عامل دارد که به عوامل مهم آن اشاره می کنیم:

الف) شکاف طبقاتی و فقدان عدالت: انباشته شدن ثروت در دست عده ای محدود، از عوامل مهم زندگی اترافی است؛ چراکه ثروت، به طور طبیعی آدمی را به لذت جویی و تجمل گرایی می کشاند.

ب) حاکمیت ارزشهای سرمایه داری: حاکمیت ارزشهای تکاثری و

۱- در این باره نک: احمد گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۱۰۶.

۲- نک: قلم (۶۸)، آیه ۱۲.

۳- نک: فجر (۸۹)، آیات ۱۷-۲۰.

سرمایه داری در جامعه، به ویژه روحیه هم چشمی و رقابت در مصرف گرایی، ضعف بنیانهای اعتقادی و اخلاقی در میان افراد و الگوپذیری از مترفان، از عوامل مهم در گسترش اتراف است. (۱)

ج) تهاجم تبلیغاتی: تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی کشورهای صنعتی و پیشرفته بر جوامع عقب مانده و در حال توسعه، برای گسترش فرهنگ مصرف گرایی و در نتیجه بازاریابی برای کالاهای تولیدی خود، اتراف و شاخصه های آن به ویژه مصرف زدگی را گسترده می سازد. (۲)

د) نفوذ مترفان در حاکمیت: نفوذ متکثران و مترفان در حاکمیت که قرآن از آن تعبیر به «ملاً» (۳) نموده است و تأثیرگذاری آنها بر توده های مردم، (۴) عامل دیگر گسترش اتراف می باشد.

آسیبهای اتراف

اشاره

پدیده اتراف از نظر اقتصادی، عامل رکود، از جهت اجتماعی، عامل فساد و از لحاظ معنوی، پرتگاه سقوط و تباهی است:

الف) زیان اقتصادی

زیان اقتصادی مصرف گرایی و رفاه زدگی، بیش از همه به افراد کم درآمد و جوامع عقب مانده و در حال توسعه می رسد؛ زیرا گسترش این پدیده، موجب می گردد تا امکانات و ثروتهایی که باید در سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی و تولیدی هزینه گردد، به سوی مصرف گرایی و خرید کالاهای تجملاتی و غیر لازم خارجی کشانده شود.

۱- نک: شعراء (۲۶)، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲- نک: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، پدیده شناسی فقر و توسعه، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳- برای نمونه نک: اعراف (۷)، آیات ۷۵ و ۸۸؛ مؤمنون (۲۳)، آیات ۲۴ و ۳۳ و

۴- نک: قصص (۲۸)، آیه ۷۹.

ب) فساد اخلاقی و رفتاری

زندگی اترافی از چند سو فساد اخلاقی و رفتاری را در پی دارد:

از یک سو غرق شدن در شهوتها و هوسها و زیاده روی در لذات جسمانی، مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی و انسانی و توجه به بُعد روحی باقی نمی گذارد و راه را برای تهذیب اخلاقی می بندد. به ویژه آنکه افتادن در دام هوسها و لذت جویها، نور و نیروی خرد را سخت ناتوان می کند و پذیرش دعوت ادیان و مصلحان را دشوار می سازد.

از دیگر سو، حفظ این موقعیت و ادامه آن غالباً مستلزم یا همراه رذیلتهایی اخلاقی همچون آزمندی، طمع و بخل (۱) است.

از جنبه ای دیگر، پرداختن به تجملات و کامجوییها نیز غالباً همراه با ناشایستهای اخلاقی و رفتاری همچون فخرفروشی، خودبرتربینی (۲) و بی بندوباری خواهد بود و از این رو، قرآن کریم، مترفان را مُفسِد (۳) و فاسق (۴) معرفی می کند.

ج) نابودی تمدنها و فرهنگها

نتیجه دو آسیب یادشده، به ویژه سقوط اخلاقی و مفساد اجتماعی، چیزی جز تهی شدن فرهنگها و جوامع از درون و در نتیجه سقوط و نابودی آن نیست. قرآن کریم با تصریح به این نکته، می فرماید: ((وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا)) (۵) «و چون بخواهیم شهری را نابود سازیم، خوشگذرانانش را فرمان می دهیم تا در آن

۱- . نک: قلم (۶۸)، آیات ۱۲-۱۴؛ مدثر (۷۴)، آیات ۱۲-۱۵.

۲- . نک: سبأ (۳۴)، آیه ۳۴ و ۳۵.

۳- . نک: شعراء (۲۶)، آیات ۱۴۷-۱۵۲؛ فجر (۸۹)، آیات ۶-۱۲.

۴- . نک: اسراء (۱۷)، آیه ۱۶.

۵- . اسراء (۱۷)، آیه ۱۶.

به انحراف [و فساد] پردازند و در نتیجه، عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [به تمامی] نابود می کنیم».

تعبیر ((أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا)) یا بدین معناست که مترفان را به اطاعت و فرمانبری امر کردیم ولی آنان سر باز زدند و گناه کردند، و یا طبق ظاهر آیه، به این معناست که آنها را به فسق فرمان دادیم که در این صورت، نوعی مجاز است و کنایه از فراهم ساختن وسایل و امکانات برای آنان تا با استفاده نادرست از آن، سزاوار نابودی شوند. (۱)

شایان ذکر است که بر اساس آیات و روایات، در کنار سنت نابودی مترفان و جوامع اطراف که در آیه پیشین اشاره شد، سنت «استدراج» قرار دارد، بدین معنا که پروردگار، در مؤاخذه و نابودی آنان نمی شتابد، بلکه گاه درهای نعمت و رفاه بیشتر را به روی آنان می گشاید و این افزایش نعمت و لذت، مقدمه دردناک تر شدن عذاب آنان خواهد بود. (۲)

(د) فرجام دردناک

فرجام اخروی اطراف و رفاه زدگی، بسیار دردناک است. از نگاه قرآن، اینان از اصحاب شمالند: ((وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ، فِي سَيْمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ)): (۳) «و یاران چپ، کدامند یاران چپ! در [میان] باد گشوده و آب داغ و سایه ای از دود تار، نه خنک و نه خوش، اینان بودند که پیش از این، نازپروردگان بودند».

چنان که گذشت، اصحاب شمال یعنی همان دوزخیان که نامه عملشان به

۱- نک: محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۶۵۴؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، صص ۶۰ و ۶۱.

۲- نک: انعام (۶)، آیات ۴۴ و ۴۵؛ نیز: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، صص ۹۱-۹۳.

۳- واقعه (۵۶)، آیات ۴۱-۴۵. نیز نک: مؤمنون (۲۳)، آیه ۶۴؛ انبیاء (۲۱)، آیات ۱۱-۱۴.

دست چپ آنان داده می شود و شوم و نکبت بارند،(۱) منحصر به مترفان نیستند، ولی چون آنان منشأ فساد و انحراف در جوامع و سردمداران مقابله با حق و حق جویان بودند، مصداق بارز دوزخیان یاد شده اند.

افزون بر این، اتراف، پیامدهای دیگری همچون زیانهای جسمی و بیماریهای ناشی از مصرف افراطی، زیانهای زیست محیطی، تأثیر منفی بر هویت ملی و سیاسی جوامع نیز دارد که در اینجا مجال تفصیل آن وجود ندارد.

راهبردهای مقابله با اتراف

اشاره

برای مقابله با پدیده اتراف و درمان آن، شیوه های گوناگونی در آموزه های دینی ارائه شده است که به اختصار بیان می داریم.

الف) تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی

پیشتر اشاره کردیم که حاکمیت ارزشهای اترافی و رفاه زدگی بر یک جامعه در کنار ضعف بنیانهای اعتقادی، بستر مناسبی برای گسترش روحیه اترافی به وجود می آورد. بنابراین نخستین گام برای مقابله با آن - همچون دیگر مفسد اقتصادی - تقویت باورها و تحکیم ارزشهای اصیل در جامعه است.

از این رو، قرآن کریم پیوسته مترفان را به فرجام دردناک اخروی آن بیم می دهد و به ارزشهای اخلاقی، اصالت می بخشد.

ب) برقراری عدالت اجتماعی

در بُعد اقتصادی، انباشته شدن ثروت در دست عده ای محدود، از عوامل مهم بروز پدیده اتراف است. از این رو، برقراری عدالت و توزیع عادلانه

۱- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹-۱۰، ص ۳۳۳.

ثروت، زمینه بروز و گسترش آن را می‌کاهد یا نابود می‌سازد. (۱) امیر مؤمنان علیه السلام، عامل اصلاح و ساماندهی امور جامعه را، داد گستری می‌دانند:

«الرعی لا یصلحها إلا العدل»؛ (۲)

توده های مردم را جز عدالت اصلاح نکند.

ج) دوری خواص از اتراف

از شیوه های عملی مقابله با فرهنگ اتراف و روحیه رفاه زدگی و درمان آن، دوری خواص و شخصیت‌های تأثیرگذار جامعه از زندگی اشرافی و اترافی است، چه آنان اسوه‌هایی برای توده های مردم به شمار می‌روند و شیوه زندگی آنان تأثیر فراوانی بر دیگران می‌گذارد. (۳)

از این رو، اولیای الهی از مظاهر زندگی اترافی و حتی از مصادیق جزئی آن، سخت پرهیز می‌کردند؛ هنگامی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشیدنی بسیار گوارایی آوردند، فرمودند:

«أخروه عَنِّي، هذا شراب المترفين»؛ (۴)

آن را از من دور سازید که این، نوشیدنی مترفان است.

افزون بر شیوه های یادشده، راهکارهای دیگری نیز برای جلوگیری از گسترش زندگی اترافی و رشد مصرف‌گرایی هست که می‌توان از کنترل تبلیغات بازرگانی و نیز دوری از مترفان نام برد. تفصیل این دو را پیشتر آوردیم.

۱- در این باره نک: رضا حق پناه، «پیامدهای اتراف»، اندیشه حوزه، شماره ۶، سال ۵، صص ۱۷۱-۱۷۸.

۲- عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۰.

۳- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۳۵۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۴- محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۹۵. نیز نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۳ و ج ۱۷، ص ۱۰.

جمع بندی

در جمع بندی و نتیجه گیری بحث باید گفت که اصول و ارزشهای اخلاقی و دینی حاکم بر مصرف، نقش تعیین کننده ای در تعیین و شناسایی الگوی مصرف دارد. هرچند الگوی مصرف، بسته به زمان، مکان، افراد، شرایط خاص اقتصادی و فرهنگی و متغیرهای دیگر، متفاوت می باشد، اصول کلی و محدودیتهای تخصیص درآمد و مصرف، می تواند چارچوب کلی آن را مشخص سازد. فرد و جامعه مسلمان، با توجه به اصول یادشده و معیار قرار دادن آن و با مقایسه الگوی مصرف خود با این معیارها، زمینه های انحراف از الگوی درست را بازشناسی و اصلاح می کند تا با ایجاد عدالت اجتماعی و رفاه نسبی، چشم انداز آرمانی اسلام به دست آید.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم (۱)
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام.
۳. آمّدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی: غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ ش.
۴. ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد جزری: النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۵. ابن حنبل، احمد: مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۶. ابن سعد، محمد: الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن منظور مصری، جمال الدین محمد بن مکرم: لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۹. الامام الرضا علیه السلام: الفقه، تحقیق مؤسسی آل البیت، چاپ اول، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. انصاری، محمدعلی: دراسی حول الاسراف فی الکتاب و السنّه، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. براون، لستر و همکاران: علایم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، چاپ اول،

مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.

۱۲. تمیمی، نعمان بن محمد: دعائم الاسلام، چاپ دوم، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ ق.

۱۳. حرّانی، حسن بن علی بن شعبه: تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ترجمه کمره ای، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه، ۱۳۹۸ ق.

۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن: وسائل الشیعی إلى تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ ششم، تهران، المکتبی الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

۱۵. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی: تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصطفی حجازی، دار الهدایه، ۱۴۰۹ ق.

۱۶. حسینی، سید رضا: الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان، چاپ اول، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۱۷. حق پناه، رضا: «پیامدهای اتراف»، اندیشه حوزه، شماره ۶، سال ۵.

۱۸. حکیمی، محمد رضا و دیگران: الحیای، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافی الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.

۱۹. حلّی، جعفر بن حسن: شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران، الاستقلال، ۱۴۰۹ ق.

۲۰. حلّی، حسن بن یوسف: مختلف الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۲۱. درنینگ، آلن: چقدر کافیت؟، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ دوم، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش.

۲۲. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان: پدیده شناسی فقر و توسعه، زیر نظر محمد حکیمی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۰ ش.

۲۳. دمشقی، ابو حفص عمر بن علی بن عادل: اللباب فی علوم الکتاب، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.

۲۴. دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه بن شهردار: الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق سعید ابن بسیونی زغلول، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.

۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق، دار القلم و بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.

۲۶. رجایی، سیدمحمد کاظم: معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.

۲۷. رشید رضا، محمد: تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ ق.

۲۸. زمخشری، محمود بن عمر: الفائق فی غریب الحدیث، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

۲۹. سيد قطب: فى ظلال القرآن، چاپ پنجم، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۸۶ ق.
۳۰. شومپتر، جوزف آ.: تاريخ تحليل اقتصادى، ترجمه فريدون فاطمى، چاپ اول، تهران، نشر مركز، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعيه، چاپ اول، قم، مؤسسى النشر الاسلامى، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه: الخصال، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. -----: ثواب الاعمال، چاپ دوم، قم، منشورات الرضى، ۱۳۶۸ ش.
۳۴. -----: من لا يحضره الفقيه، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. شيخ طوسى، محمد بن حسن: الامالى، چاپ اول، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. -----: التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق احمد حبيب قصير عاملى، چاپ اول، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
۳۷. -----: تهذيب الاحكام، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ ش.
۳۸. صدر، محمدباقر: اقتصادانا، چاپ دوم، المجمع العلمى للشهيد الصدر، ۱۴۰۸ ق.
۳۹. طباطبايى، سيد محمد حسين: الميزان فى تفسير القرآن، چاپ اول، بيروت، مؤسسى الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
۴۰. طباطبايى يزدى، محمد كاظم: العروى الوثقى، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ اول، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۴۲. طريحي، فخرالدين: مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، المكتبى المرتضويه، بى تا.
۴۳. عابدينى، احمد: «امام خمينى، ساده زىستى و مسئله شأن»، مجله فقه، شماره ۲۱ و ۲۲، سال ۶، پاييز و زمستان ۱۳۷۸ ش.
۴۴. عاملى، زين الدين بن على (شهيد ثانى): مسالك الافهام، چاپ اول، قم، مؤسسى المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. عبدالرضا على، صادق: القرآن و الطب الحديث، چاپ اول، بيروت، دار المؤرخ العربى، ۱۴۱۱ ق.
۴۶. عياشى، محمد بن مسعود: تفسير العياشى، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران، چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. فتح الله، احمد: معجم الفاظ الفقه الجعفرى، چاپ اول، بى جا، ۱۴۱۵ ق.

٤٨. قرضاًوى؁ يوسف: دور القيم و الاخلاق فى الاقتصاد الاسلامى؁ چاپ اول؁ بيروت؁ مؤسسى الرساله؁ ١٤١٧ ق.

۴۹. کارفانتان، ژان - ایو و شارل کندامین: چیرگی بر گرسنگی، ترجمه عباس آگاهی، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب: الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۵۱. گل محمدی، احمد: جهانی شدن، فرهنگ، هویت، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ش.
۵۲. لنکستر، لین و.: خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۵۳. متقی هندی، علاء الدین علی: کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی و صفوی السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعی لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. مدرّسی، سیدمحمدتقی، من هدی القرآن، چاپ دوم، مکتب آبی الله المدرسی، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی: فرهنگ اقتصادی، چاپ اول، تهران، مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳ ش.
۵۷. مطهری، مرتضی: انسان کامل، چاپ دهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۳ ش.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
۵۹. میرمعزی، حسین: نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها)، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸ ش.
۶۰. نجفی، محمدحسن: جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۶۱. نراقی، محمد مهدی: عوائد الایام، قم، مکتب بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
- نیشابوری، محمد بن عبدالله الحافظ: معرفی علوم الحدیث، چاپ چهارم، بیروت، دار الآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

